

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۶

سرمقاله

نتیجه انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری روزافزون توده ها از احیای روابط گذشته و از سیاستهای انحصار طلبان است

شیوه رای گیری و شمارش آراء و حتی شیوه اعلان نتایج انتخابات مجلس به اصطلاح خبرگان، نشانه ورشکستگی سیاسی و فکری گردانندگان انتخابات بود. رفتار و کردار دولت مسئولان امور پارلمانی بخوبی نشان داد که می خواهند هر طوری شده از ارتقاء آگاهی سیاسی توده ها جلوگیری کنند و حتی المقدور توده را از شرکت در تعیین سرنوشت خود محروم سازند.

در واقع حاکمیتی که قراردادهای اقتصادی و نظامی رژیم شاه را با امپریالیسم امریکا ایفا می کند و صراحتاً از این سیاست دفاع می کند، حاکمیتی که کارشناسان نظامی امریکا این دشمنان سوگند خورده خلقهای ایران را دوباره بهمین باز می گرداند، ضد اطلاعات ارتش را دوباره مثل سابق و برای حفظ اطاعت کورکورانه و تبدیل ارتشیان به مهرهای سرکوبگر سرمایه داری، احیا می کند و ساواک را البته بنا به اظهارات سخنگوی دولت با محتوایی جدید، تجدید سازمان می کند و خلاصه این که به سرعت برای به بند کشیدن و سرکوب مردم ایران و نجات سرمایه داری آماده می شود، چاره ای هم جز ادامه همین سیاستهای انحصار طلبانه ضد دموکراتیک ندارد و نخواهد داشت.

لیکن واکنش توده ها نسبت به انتخابات، انگاری خود مردم از نحوه سرگرای انتخابات و عدم شرکت گروه های وسیعی از مردم همه وجهه نشان می دهد که شناخت توده ها نیز از حاکمیت سیاسی موجود هر روز عمق و گسترش بیشتری می یابد و حتی انحصار طلبان روز به روز کهرنگتر می شود.

مردم در جریان روزهای پیش از انتخاب به خوبی مشاهده کردند که گروه های فشار یعنی فاکتورهای مودحانه دولت چه محیطی پدید آوردند و چگونه با تهدید، ارعاب، فشار، حمله به مردم و پاره کردن اعلامیه ها و بیانیه ها، تگناشتند صدای نیروهای انقلابی به گوش مردم برسد. لیکن خود این اعمال ماهیت کارگردانان آن را بیش از پیش افشا ساخت و ثابت کرد که آنها به نه به توده ها بلکه به سرمایه داری تکیه دارند فقط در سایه تهدید و ارعاب، عوام فریبی و اعمال تروریستی می توانند چند صباحی دیگر به حیات خود ادامه دهند. انتخابات در چنین شرایطی برگزار شد و در اکثر حوزه ها رای بیسوادان را هواداران حزب جمهوری اسلامی نوشتند و به صندوقها ریختند خودشان مسئول رای گیری بودند و بقیه در پیچیده

چرا کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مو تلفین از صندوق ها بیرون آمدند

استقبال مردم از این انتخابات را با رفتارندوم جمهوری اسلامی قابل مقایسه ندانست. البته تا لحظه نگارش این مقاله هنوز نتایج قطعی اعلام نشده است. با وجود همه شواهد از کاهش قابل ملاحظه تعداد شرکت کنندگان در رای گیری حکایت می کند. بررسی و تحلیل دلایل بقیه در صفحه ۲

ما تا زگی داشت و هر چند که پس از پیام برشکوه بهمن ماه از پیروزی خلق زحمتکش بر شاه و اخراج او طبیعتاً انتظار میرفت توده مردم با شور و شوقی بی بیشتر از آنچه مشاهده شد در انتخاب نماینده خود برای مجلس بررسی قانون اساسی شرکت کنند اما، حتی وزیر کشور هم در اظهار رسمی خود

سرانجام انتخابات «مجلس خبرگان» برگزار شده مجلسی که قرار است قانون اساسی جمهوری را تدوین کند. هر چند که چنین رویدادی در تاریخ مبین

نظر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون انتخابات «مجلس خبرگان»

اکنون انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی پایان یافته و حاصل کار گردانندگان امور باید مورد قضاوت خلقهای ایران قرار گیرد. نظر به اهمیت موضوع و اینکه این انتخابات، بدستی برای آینده خواهد شد بقیه در صفحه ۲

هر گونه خیانتی به مردم باید افشا شود

دولت که چهره واقفانه هر روز بیشتر پیش افشا می شود و ماهیت آن برای مردم شناخته می شود. برای حفظ موجودیت خود به قوانین متوسل می شود که رضایان و پسر دیکتاتور برای سرکوب خلقهای میهن ما وضع کرده بودند. یک روز قانون ۱۳۱۵ رضا خانی را برای مبارزه با نیروهای انقلابی زنده می کنند و آنرا معتبر میدانند، فردا برای سرکوب کارگران مقررات جدیدی در باره اداره حفاظت جدید با نام نیروی ویژه پدید می آورند. و بار دیگر به قانون دادرس و کینارتنش «دانشنامه ای» متوسل می شوند. این سرانجام همه آنهاست که از خلق می خواهند و در راهی جز استقلال و آزادی میهن ما گام بر نمی دارند.

حتما اطلاعیه چند روز پیش دانشمندان را در مورد مجازات آنها که بافتی استاد ممرمانه برودانند، در مطبوعات ۱۲ مردادماه بچاپ رسید خوانند باید و این اطلاعیه یادآور اطلاعیه های داستان ارتش در دوران رژیم سرنگون شده است. در آن زمان نیز دانشمندان ارتش برای ایجاد رعب و هراس در میان بده های مردم، اعلامیه های تهدید کننده صادر می کرد. امروز بجای آن داستان ارتش، داستانی دیگر نوشته است، اما همان وظایف او را انجام می دهد. اکنون مردم بی میزند که نه تنها ماهیت ضد خلقی ارتش تغییر نکرده و ارتش همچنان دشمن مردم است، بلکه حتی آنقدر ماهیت ضد خلقی آن عریان شده است که بهمان قوانین و مقرراتی متوسل می که شاه مزدور برای حفظ موجودیت خود و اربابان آمریکانیش وضع کرده بود. این قوانین و مقررات ضد مردمی در مجلسی به تصویب رسید که نمایندگان دست بقیه در صفحه ۵

رفیق فدایی و نداد ایمانی بدست مر تجمین سر سپرده امپریالیسم به شهادت رسید



● آنان که انقلابیون راستین خلق را به خون می کشند باید بدانند که هرگز نمی توانند از چنگ مردم بگریزند.

پیروزی از آن خلقهاست

یکبار دیگر دستهای جنایتکار ارتجاع و سرگردان سرمایه داری، ستمهای کسانی که بر پوشش دفاع ازین از منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ دفاع می کنند، از آستین



راهسوخ مدافعان خلق نشان داده است که از هر نظر خون ماهواران رزمند

مزدوران امپریالیسم و سرمایه داری زیر هر پوششی که باشد هرگز نخواهد توانست نیرو های انقلابی مدافع مردم را از راه پراختاری شهید بخون حخته خلقهای ستم کشی ایران افروزند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، همصدا با همه مردم آگاه و انقلابی میهن، ضمن ابراز تنفر و ازجبار از جنایتهای کثیف ماسم رتبع و مزدور که هر روز در گوشه و کنار ایران دست به جنایات تازه ای میزند اعلام میدارد که فعالیت های ضد خلقی، ضد انقلابی و جنایتکارانه

بیرون آمدند و یکی از برادران برودان، فدائی خلق، رفیق و نداد ایمانی را به شهادت رساندند و بدین سان شهید دیگری را بر هزاران شهید بخون حخته خلقهای ستم کشی ایران افروزند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، همصدا با همه مردم آگاه و انقلابی میهن، ضمن ابراز تنفر و ازجبار از جنایتهای کثیف ماسم رتبع و مزدور که هر روز در گوشه و کنار ایران دست به جنایات تازه ای میزند اعلام میدارد که فعالیت های ضد خلقی، ضد انقلابی و جنایتکارانه

درباره وسائل ایمنی کار

سرمایه داران نادیده گرفته میشدند. روزی نیست که در کارگاهها و کارخانهها در اثر سوجونی کارفرما و تهیه نکردن وسایل حفاظتی، کارگران دچار سانحه، نفس عشو و احیاناً فوت نشوند. در تمام موارد کارگران سهل انگار و بی احتیاط و کارفرمایان بی گناه نشان داده میشوند.

ماده ۶۱ تا ۷۴ قانون کار (کارفرما) سابق درباره وسایل حفاظتی کار صحبت میکند. بطور خلاصه در باره این مواد گفته میشود که کارفرما موظف است سالیانه دو دست لباس در اختیار کارگران بگذارد، بنا بر نوع کار کارگر وسایل ایمنی از قبیل کفش حفاظتی، کلاه مخصوص فلزی، کمربند اطمینان و... تهیه نماید. و بالاخره در ماده ۷۴ می آید که کارفرما مکلف است مراقبت نماید که کارگران مرتباً از این وسایل استفاده کنند. کارفرما باید در اختیار آنان گذارنده شده، استفاده نمایند. عدم استفاده از وسایل مزبور قصور در انجام وظیفه محسوب میشود. کارگران بهتر از هر کس میدانند حتی این قوانین که بوسیله سرمایه داران و دولتشان در جهت منافع سرمایه داران تهیه شده بود، نیز بر روی کاغذ بوده است و توسط کلیه

سرکوب مطبوعات حمله به دستاوردهای قیام است

خبر توقیف روزنامه آیندگان و حمله به هیئت تحریریه این روزنامه بیانگر توطئهای ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه ای است که هدف آن حمله بدستاوردهای قیام است. در حقیقت این اقدامات مقدمه ای است برای دریند کشیدن توده های ستمدیده خلق. البته از مدتها پیش انتظار چنین اقداماتی از جانب دولت می رفت، تنها کافی بود تا لایحه مطبوعات تصویب برسد و موج سرکوب نشریات آزادیخواه شروع شود.

تا سیه روی شود...

در خلال چند روز گذشته سرپرست موقت تلویزیون، قطب زاده به بیانیه توضیحی پیرامون اطلاعیه سازمان ما درباره مناظره تلویزیونی مطابق معمول بهجهل و تعریف حقایق پرداخت. البته قطب زاده بی اختیار از آنست که بتواند مردم را فریب دهد.

اما در مورد اظهارات او پیرامون مناظره مورد بحث بنظر ما تنها کافی است که دو فیلم مورد بحث بهمان ترتیبی که ضبط شده است، یکبار بطور کامل پیش شود تا مردم قضاوت کنند حق باکی است و چه کسی حقایق را تعریف می کند.

گزارشی از مبارزات کارگران شرکت حفاری ایران ردینگ اندیتس

در صفحه ۲

توضیح ...

چندین جرواتی بطرق مختلف با آرم سازمان وبه اعضای «چریکهای فدائی خلق» توسط اشرف دهقانی منتشر شده است. از آنجا که برای بسیاری این ساله طرح شده است که آیا این جروات از انتشارات رسمی سازمان است یا نه توضیح می دهیم که نه تنها مطالب منتشر شده از انتشارات سازمان نیست، بلکه هیچ يك از ترزهای آن نیز نمی تواند مورد تأیید مارکسیست - لنینیست باشد. چون اشرف دهقانی احتمالاً در آینده نیز به این کار ادامه خواهد داد، لذا ضروری است اعضاء و هواداران سازمان در تشخیص و تمیز آثار منتشر شده توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، از مطالب اشرف دهقانی که عموماً با تصویر رفیق شهید محمود احمدزاده همراه است، هواداران را راهنمایی کنند.

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» ۵۸ - ۸ - ۱۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

نظر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون انتخابات مجلس خبرگان

بقیه از صفحه ۱

می‌شوند: «آخر ترم آرا می‌خوانند و ممکن است تحت تاثیر قرار بگیرند. ما نسبت به این سیاست سرکوبگرانه، شدت موکراتیک، شدت آزادی، و انصار طلبانه شدیداً اعتراض کرده‌ایم. خواستار قطع فوری آن و افشای عاملین و طراحان این سیاست هستیم. به اعتقاد ما آزادی تبلیغات انتخاباتی توسط افرادی که وابسته به کمیته‌ها بودند بهانه‌نجاترین شکل ممکن نقش شده است.»

۳- با توجه به تعداد افراد متصدی هر حوزه و نیز تعداد حوزه‌ها جمع افرادی که برای اداره و کنترل رای گیری در نظر گرفته شده بودند با احتساب هر حوزه ۵ نفر در حدود ۱۰۰۰۰ نفر بالغ می‌شد که صدتا از جانب کمیته‌ها واز میان هواداران حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین انتخاب شده بودند. درحالی که پس از کششکی طولانی بالاخره سازمان ما موفق می‌شود در مجموع ۱۰۰ عدد کارت پارسی (سیار و ثابت) از وزارت کشور دریافت کند. یعنی نه تنها حزب جمهوری اسلامی و هواداران در تمام حوزه‌ها حضور داشتند، بلکه تقریباً تمام کارهای اخذ و شمارش آراء را نیز در انحصار خود گرفته بودند. به باور ما سایر سازمانها وائتلافهای شرکت کننده در انتخابات اجازه داده نشد در هر حوزه‌ای رای بزرسی یا نماینده داشته باشند. بدین ترتیب در اکثریت قریب با اتفاق حوزه‌ها فقط هواداران حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین هم بزرسی بودند و هم گرداننده امور در زمینه رسا به وزارت کشور اعتراض کرده و خواستار صدور کارت بزرسی به تعداد کافی شده بودیم ولی متأسفانه وزارت کشور به مسئله توجه نکرده است. رای گیری در اکثریت مطلق حوزه‌ها بدون حضور نماینده یا ناظر سایر سازمانهای سیاسی (جز جمهوری اسلامی و مؤلفین) صورت گرفته است.

۴- تقریباً در تمام حوزه‌ها برای هدایت رای که نمی‌دانستند به چه کسی رای بدهند گفته شده است که باید به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی رای دهید. بسیاری از رای دهندگان اسلام کاندیداهای را نمی‌شناختند یا فقط یکی دو نفر را می‌شناختند. تقریباً در تمام حوزه‌ها چه متصدیان حوزه، چه افراد دیگری دربارت حضور بودند که طناً «پانویس» توصیه می‌کردند به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی رای دهید. رای ورده برای افراد بی‌سواد را با اسمی کاندیدای های حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین پسر می‌کردند.

۵- تقریباً در سرد تمام حوزه‌ها پوسترهای کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی نصب بوده است. در تمام حوزه‌ها ورقه‌هایی پخش شده است که بطرز خودسرانه و عوام فریبانه در آنها «آنها» و انشود شده بود رای دادن به ۱۰ نفر کاندیداهای مؤلفین اجرای فرمان امام است. و این هم یک تلفظ آشکار از مقررات انتخابات بوده است و هم یک تقلب و جعل آشکار برای جلب آرای مردم. همه مردم ناظر بخش وسیع این اوراق در سطح شهر در ساعات رای گیری بودند و این در شرایطی بود که رای گیری شرکت کنندگان با رعایت مقررات طی ساعات رای گیری فعالیت تبلیغاتی خود را قطع کرده بودند. هکس‌ها، نوارها و سایر مدارکی که از این تخلفات جمع‌آوری شده در آرش سازمان ضبط است و بوضوح موارد تخلف را نشان می‌دهد.

۶- رادیو - تلویزیون نیز در جریان رای گیری اصل بیطرفی را نقش کرده است چرا که در طی مصاحبه‌های خجانی و رپورتاژها که پخش می‌کردند طناً از سیاستی که حزب جمهوری اسلامی تقبی می‌کند هواداری کرده است هر چند رادیو و تلویزیون مصاحبه‌هایی را که اسمی کاندیداهای را همراه داشته باشند پخش نکرده‌اند. ولی به‌تایید همه شنوندگان و بینندگان همه مردم را به هواداری از کاندیدای های جمهوری اسلامی آشکارا دعوت می‌کرده است.

این رپورتاژها ادامه همان سیاست انحصار طلبانه‌ایست که بویژه شبکه تلویزیونی کشور را فرا گرفته است.

با درود به خلقهای فدایی فرمان ایران
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۳۵۸۵۱۴

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که افتخار گری علیه هر نوع نقض حقوق موکراتیک مردم را وظیفه خود میداند قناتر مقدماتی خویش را نسبت به اولین انتخاباتی که در آن شرکت داشته است در تهران و حومه انتشار میدهد. پس از دریافت گزارش‌های ایالات و بررسی وسیع‌تر آنها سازمان نظر جامع خود را نسبت به نحوه انجام انتخابات در سراسر ایران برای آگاهی خلقهای مبارز میهن اعلام خواهد کرد.

۱- همانطور که سازمان قبلاً اعلام کرده است، مجلس خبرگان طرحی بود برای کسب حق انحصاری تدوین قانون اساسی - سبوط گیری از مداخله سایر نیروها از شرکت در این امر. ما پیشنهاد کرده بودیم به‌ازای هر ۵۰ هزار نفر از تیمه ایران یک نماینده به مجلس برای مدتی با ۷۵۰ نماینده تشکیل شود تا همه نیروها، همه خلقها، همه اقشار و طبقات خلق در آن نماینده داشته باشند. ما گفته بودیم چنانچه اهمیت مجلس بررسی قانون اساسی بیش از مجلس شورای ملی است باید نمایندگان آن هم بیشتر باشند. اما انحصار طلبان هیچگونه توجهی به این پیشنهاد نکردند و بجای مجلسی که ما بابت با ۷۵۰ نفر تشکیل میشد، مجلسی با ۷۵ نماینده تشکیل دادند. این درست نمودار غیر موکراتیک ترین و انحصار طلبانه‌ترین گردانندگان امور است. ما معتقدیم سازمانها و احزابی که کاندیدای اعلام میکنند به نسبت آرائی که می‌آورند تا یک حد نصاب مین باید در مجلس نماینده داشته باشند چنانچه مطابق نظر سازمان عمل میشد هر ۵۰ هزار نفر از سکنه ایران میتوانست یک نماینده برای تدوین و تصویب قانون به مجلس بفرستد. و چنانچه طرز با رعایت نظر گردانندگان امور که می‌خواستند فقط ۷۵ نفر را به مجلس بفرستند به مسئله بنگریم، مثلاً در تهران با توجه به اینکه حق شرکت در انتخابات برای افراد شایسته سال بالا در نظر گرفته شد است طبیعتاً افرادی که حدود ۲۰۰ هزار رای بیاورد باید به مجلس بروند حال آنکه ترمیمی اتخاذ کردند که از همه رای‌ها هیچ سازمانی حتی اگر صد هزار رای هم بیاورد به مجلس راه نمی‌آید. و این مشخصاً شرکت دیگری بوده است برای انحصاری کردن حق تدوین قانون اساسی برای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین.

۲- پنجشنبه شب یازدهم مرداد اطلاعیه‌ای به‌اسمای آیت‌الله مهدوی کنی ویسی از آن سخنانی از جانب سایر مراجع مبنی بر محکوم کردن، پاره کردن اعلامیه و پوسترهای سازمان های مختلف و عدم تشریح به آنها انتشار یافت. تصور مهرد آقای مهدوی کنی و همچنین مسئولین وزارت کشور از هیچ کارکنان کمیته‌ها برای پاره کردن اعلامیه‌ها و پوستر های سازمان نه تنها مطلع بودند، بلکه طبق موارد مکرری که اتفاق افتاده است بنا به دستور مقامات بالا وظیفه داشته‌اند اعلامیه‌های سازمان را پاره کنند و توزیع کنند آراء به کمیته ببرند. در طول پخش تراکتهای سازمان بیش از ۱۵۰ مورد حمله به توزیع کنندگان اعلامیه‌ها، مشروب و مجروح کردن آنها و پاره کردن یا حتی آتش زدن اعلامیه‌ها و تراکتهای و بازداشت توزیع کنندگان توسط کمیته‌ها وجود داشته است. چند نفر از هواداران سازمان در بیمارستان بستری شدند. ما می‌پرسم چطور تنها در آخرین ساعات فرست محبودی که برای تبلیغات وجود داشته، وقتی پاره کردن تراکتهای مرفی کاندیداهای در سطح شهر پایان رسیده بود آیت‌الله کنسی اعلامیه خود را صادر کردند. آیا ایشان که ریاست همه کمیته‌ها را برعهده دارند واقلاً تا آن لحظه نمی‌دانستند بیش از ۱۵۰ نفر از هواداران سازمان را افراد وابسته به کمیته‌ها بطرز وحشیانه‌ای مورد حمله قرار داده و بویژه دانش آموزان توزیع کنندگان اعلامیه را بر کتک گرفته‌اند؟ آیا آقای مهدوی کنی نمی‌دانستند در شهر چه می‌گذرد؟ تنها کسانی که از آگاه شدن مردم می‌ترسند، کسانی که به عقاید خود پایبند نیستند و به سستی آن پس برده‌اند از آگاه شدن مردم، از پخش شدن اعلامیه و تراکت وحشت دارند. وقتی توزیع کنندگان اعلامیه از فرد وابسته به کمیته می‌پرستند چرا اعلامیه‌ها را پاره می‌کنند؟ جواب

چرا کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین از صندوق‌ها بیرون آمدند

بقیه از صفحه ۱

میکردند که رای دادن به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین یک وظیفه شرعی است در این امر شرکت کردند و با اینکه رهبری روحانیت سرخا از یک لیست کاندیداتوری خاص حمایت نکرد. حزب جمهوری اسلامی سرخا بطور نقضی و تلویحاً بطور کبی اعلام کرد که رای دادن به لیست دهنده‌ی فرمان امام است و بدین وسیله بسا زرنگی خاصی از علق منعی مردم بود کاندیداهای خود بهره‌برداری کرد.

برخورد های مبنی رفتاری ما نشان داده‌است که اکثر مراجعان به حوزه‌های رای گیری فقط می‌دانستند که باید بفرازان امام «رای بدهند» ولی برای آنها مشخص نبوده است به چه کسی و برای چه منظوری باید رای بدهند و این حد بسیار نازل موکراتیک شاهه یافته میان توده‌ها را به‌بازترین شکل ممکن بازگو می‌کند.

۲۵ سال دیکتاتوری خونین و رخوت کامل مبارزات انتخاباتی اعتقاد به ضرورت تأمین حقوق موکراتیک و آزادی سیاسی را بدین ترتیب توده‌ها در حد نفرت از دیکتاتوری شاه نگاهداشتند است و نهچیزی بیش از آن. اکثریت توده مردم واقفا نمی‌دانستند انتخابات مجلس خبرگان به‌بهره آنها می‌شود، سازمان ما تنها سازمانی بود که بخصوص از طریق تراکت ها کوشید مفاد قانون اساسی را برای مردم توضیح دهد. و برای آن نیز نیروی نیبا وسیعی بسیج کرد. ولی حاصل برقرار شد که تریبون‌های مساجد به‌فصل‌ترین شکل به‌نفع یک گروه خاص تبلیغ کردند و از آن سو از فعالیت‌های تبلیغاتی سایر جریانه‌ها محابست می‌شد. همانند از پخش تراکت و اعلامیه، حمله به پخش کنندگان اعلامیه‌مضروب کردن و دستگیری آنها، پاره کردن، آتش زدن و از بین بردن نشریات دیگران که تماماً «بستور مقامات بالا» صورت می‌گرفت و بالاخره نوشتن رای مراجعین بی‌سواد - اکثر زان - بود. حزب جمهوری اسلامی در همه حوزه‌ها رایج بود. بسیاری از رای دهندگان بویژه بی‌سوادان ناشناسی از تراکت کاندیداهای نداشتند. و اختیار حوزه‌ها و شمارش آراء همه در دست کمیته‌ها و افرادی بود که بنفع حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین کار می‌کردند. انتخابات در اکثر جاها انحصاراً زیر نظر حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین و بدون حضور حتی یک فرد مخالف انجام گرفت. و همه این کارها برای آن بود که از ورود مخالفین به مجلس جلوگیری کنند؟ همه این تمهیدات که شریدم برای کسب حق‌الانتخاب انحصاری تدوین قانون اساسی بوده است.

اما براسی دیدگاهها و انگیزه‌های رای دهندگان چه بوده است؟ اکثریت مطلق رای دهندگان آراء خود را به‌رحال به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین داده‌اند. چرا؟ آیا اهداف، برنامه‌ها و سیاستهای این حزب برای توده رای دهنده توضیح داده شده بود؟ آیا آنان با اعتقاد و شغنی که به کاندیداهای داشتند بدان رای داده‌اند؟ آیا مثلاً در استان تهران مردم تالش کاندیداهای را نمی‌شناختند؟ و می‌دانستند که دقیقاً همین‌ها صلاحیت تدوین قانون اساسی مورد نظر ایشان را دارند؟ یا اعتقاد ما تعداد کسانی که می‌دانستند حزب جدیدالتاسیس جمهوری اسلامی چیست و چمیکوید یا کاندیداهای آن (جز یک - دوفی) چه کاری هستند از چند تر صد کل توده رای دهنده به‌این ائتلاف بیشتر نبود.

توده رای دهنده یعنی توده زحمتکشان شهر و روستا بدنبال خرد بورژوازی سنی که نمایندگان سنی آن در حزب جمهوری اسلامی گرد آمده‌اند کشیده شدند گرچه برای اقتدار و مانی خرد بورژوازی سنی بویژه بازاریان هم حزب جمهوری اسلامی مقوله‌ای شناخته شده است و هم اکثریت کاندیداهای آن. اما وضع توده مردم چنین نیست. آنها از یک سو نظر به اعتقادی که به روحانیت دارند و از سوی دیگر نظر به اینکه صدتا غیبال

ترویج این ایمنا که درست در جهت عکس جریانه‌های مترقی عصر مشروطه خواهی صورت می‌گیرد تا حدود مبنی نخبه‌بین‌ترین اقتار توده را که براسی زیر تاثیر تبلیغات مدافسان این نظر قرار می‌گیرد از درک حقوق و وظایف خویش محروم ساخته و به تبعیت کورکورانه از «رهبری» سوق داده است. هرگاه در این زمینه انگیزه‌ها و دلایل توده‌ها را از شرکت در راهپیمایی وحدت و شرکت در انتخابات مجلس خبرگان را مورد نظر قرار دهیم درخواهیم یافت که آنان تصور می‌کنند اینها حرد و انجام فرایش سیاسی دینی است.

کثر کسی از توده‌های ناآگاه در این فکر بوده است که اولی امریت محدود به اعلام حمایت از یک پیشوا و دومی شخصاً مشارکت در طراحی سیستم حکومتی رژیم سیاسی ایران است. توده مردم واقفا تفاوت چندانی بین دلایل و لزوم شرکتشان در راهپیمایی وحدت و انتخابات مجلس خبرگان نمی‌دیدند در نظر آنها حرد و اینها پاسخی بود به فرمان امام.

خطات هرگاه تصور کنیم که رهنمای این اطاعت توده‌ها تنها در تمایلات و احساسات منعی آنها نهفته است. این اعتقاد توده‌ها به عوامل بسیار وابسته است. از آن جمله است سطح آگاهی سیاسی آنان و درکشان از ماهیت تحولات اخیر. سرنگونی رژیم شاه و رهائی از اختناق و سرکوب سیتاشاتیک آن در ذهن توده‌ها تا حد زیادی با نقش رهبری روحانیت پیوند خورده است. همان رابطه‌ای که بین ملی‌شدن نفت و مسوق در ذهن توده‌ها نقش بسته‌بود اکنون بین سرنگونی شاه و رهبری خرد بورژوازی جنبش نقش بسته است. علاوه بر این با توجه به آنچه گفته شد اگر دریا هم به نیت خود انگیزه توده مردم نمی‌توانست «پروزی» را چیزی فراتر از سرنگونی رژیم سیاسی و سرکوب سرکردگان و گردانندگان اصلی آن ببیند. آنگاه متقد خواهیم شد که در روانشناسی توده رای دهنده به حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین مشخصاً نوعی قدرشناسی سیاسی که سخت با احساسات منعی درآمیخته وجود داشته است.

ضمناً برای اینکه نقش و تاثیر احساسات و تمایلات منعی را در «لیک» نهمین توده‌ها در دریا هم که در میان آنها و بویژه در با نیروان سایر مراجع تقلید توجه کنیم و دریا هم که چگونه در میان آنها و بویژه در میان خلقهای تحت ستم، فزاد کله و اعتقاد به حزب جمهوری اسلامی تاجه حد ست و ضیف است این حقیقت بهمانشان خواهد داد که چگونه در مناطقی که قلمرو حزب جمهوری اسلامی است احساسات و تمایلات منعی همچون مصلی با کارآیی بسیار برای پیشبرد آرمان‌های خرد بورژوازی سنی بکار گرفته می‌شود.

بررسی روانشناسی توده‌های رای دهنده به حزب جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در دیدگاهها و انگیزه‌های آنان نه اعتقادی به حزب جمهوری اسلامی مطرح بوده است نه اعتقاد سیاسی به لیست کاندیداهای و نه تأیید متن پیش‌نویس.

ضمناً یک بار دیگر باید در اینجا یادآوریم که هرگاه ارزیابی دیدگاههای توده‌ها و انگیزه‌های آنان از حرکت در انتخابات روز جمعه بدون توجه به طرح شد موکراتیک و ضعیف انصارگران مجلس خبرگان، خدمت‌های انتخاباتی آن، تقلبات فراوانی که صورت گرفت و اقدامات سرکوب‌گرانه جناح‌های قلال و نقش مرجعین سربرده امپریالیسم صورت گیرد. یعنی این ارزیابی تنها براساس نتایج بدست آمده صورت گیرد. قفا حاصل آن چیزی جز تصویری مضروب و جعلی از واقعیت نخواهد بود.

ما در شماره آینده دیدگاهها و روانشناسی رای دهندگان به سایر کاندیداهای ط ارزیابی خواهیم کرد.

پیش‌نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است



اعتصاب کارگران مبارز کارخانه شوفاژ کار

اعتصاب کارگران مبارز شوفاژ کار
تهران - کارگران کارخانه شوفاژ کار از یکشنبه هفته گذشته بخاطر مقاومت کارفرمایان در برابر خواستهای برحقان دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان اجسرای دستورالعمل وزارت کار که حداقل حقوق را ۵۶۷ ریال تعیین کرده، هستد اما کارفرمایان با این خواست مخالفت می کنند. از آنجا که پایه حقوق کارگران ۲۲۵ ریال است کارگران مستندند باید ۳۵۰ ریال به حقوقشان افزوده شود ولی کارفرمایان فقط با افزودن ۱۶۵ ریال موافقت کرده اند. اعتصاب کارگران پس از دو هفته مذاکره میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان که به نتیجه نرسید صورت گرفت. در نخستین روز اعتصاب، کارفرمایان حاضر نشدند به کارگران جوابی بدهند و خود را به بی تفاوتی زدند ولی کارگران تصمیم گرفتند با قاطعیت بمبارزه ادامه دهند. صبح روز دوشنبه نمایندگان کارگران و کارمندان برای آخرین بار با کارفرمایان مذاکره کردند ولی آنها هیچکدام از خواستهای کارگران بهیچ طرح طبقه بندی مشاغل را نپذیرفتند. کارگران روز دوشنبه تصمیم گرفتند به نخستوزیری بروند. آنها را حایکه لباسهای کار به تن داشتند با شعار «سرمایه دار نابود است» از جاده کرج بسمت نخستوزیری حرکت کردند و با دادن شمارهای انقلابی در خیابان مقابل نخستوزیری دست به

عمل باصطلاح انقلابی شورای فرمایشی کارگران

بالاخره چشم دولتان به اولین اقدام به اصطلاح انقلابی شورای کارگران (منتخب کمیته کار و امور اجتماعی احوار) روشن شد. قضیه از این قرار است که وقتی کارگران دوازدهم تیر جهت دریافت حقوق به حسابداری مراجعه می کنند با کمال تعجب می بینند که حقوق آنها کسر شده و قرار است به حساب ۱۵۰ کسک با امرخامساری ریخته شود. صحبت بر سر یگرورز حقوق نیست، ما باین عمل خود سرانه اعتراض داریم که حتی شورا موضوع را با کارگران در میان نگذاشته و وقیعی تر اینکه میگویند ما اعلام کرده ایم هرکس مایل نیست مخالفت خود را اعلام کند. نمایندگان مجترم اعلام نکرده اند که کارگران نسبت به هیچ چیز اعتراض و مخالفت کنند آیا بگویند با خانه سازی مخالفت، بگویند کس شدن یگرورز حقوق یعنی گرسنگی دو روز خانوادشان. هرچه بگویند فرق نمیکند. زیرا بلافاصله مناقق یا کمیونیت و یا شد انقلاب مرفعی میشود و این خیلی بدتر از دو روز گرسنگی است! کمی فکر کنیم هنوز کله شهید جای

نامه يك کار آموز حرفه ای

بدرم يك کارگر است روزی ۵۰۰ ریال مزد میگیرد البته با ۳۷ سال سابقه که در این کارخانه دارد با این ۵۰۰ ریال ۱۵ نفر نان میخورند. شما خودتان پیش خود قضاوت کنید و این پول را به تعداد ۱۵ تقسیم کنید و ببینید به هر نفر چند می رسد قیلا پول بیمه و آب و برق و مالیات هم کم می کردند حالا هم نماند کم می کنند پانه. خود بنده هم بعد از اینکه خدمت تمام شد

اعتصاب کارگران کوره پزخانه های دزفول

دزفول: کارگران کوره پزخانه های دزفول از ۵ شنبه ۲۸ تیر به منظور افزوده شدن مستزود (دو تومان به ازاء هزار خشت). بیمه و بهداشت محیط اعتصاب کردند. ۱۴ ساعت کار روزانه در گرمای طاقت فرسای ۵۵ درجه به همراه بالا رفتن قیمت اجناس و نداشتن تنذیه مناسب علا کارگران را در شرایط نامساعد و مرگ تدریجی قرار داده است.

مسئولان دولتی کارخانه کفش ملی نماینده کارگران را، تهدید به اخراج کردند

تهران - کارگران کارخانه کفش ملی از نماینده مبارز خود در شورای کارگران حمایت کردند و خواستار نظارت شوروی کارگران بر مسائل مربوط به کارخانه شدند. نماینده کارگران که بوسیله مسئولان فلسی کارخانه کفش ملی تهدید به اخراج شده «آقا شامی» نام دارد. مسئولان فلسی کارخانه که از طرف دولت بر امور کارخانه نظارت می کنند از نمایندگان شورا خواستند در کارها دخالت نکنند. در غیر این صورت از کارخانه اخراج و «مسند فی الارض» شناخته خواهند شد. شورای کارگران کفش ملی با حضور نمایندگان قسمتهای فروش تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این کارگر در برابر مسئولان دولتی کارخانه حمایت کند و به

اتحادیه کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران



سومین کنگره اتحادیه کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران که از ۱۳۵۰ از شرکت و کارخانه مختلف و حدود ۲۵ هزار کارگر و کارمند تشکیل می شود تاریخ ۲۳ تا ۲۶ مرداد ۵۸ در کرج میباید ۲۵۰ نماینده از کارخانجات و شرکتهای مختلفی از جمله ماشین سازی پارس، آلومینیوم سازی (ایرالکو)، ماشین سازی تبریز، تراکتور سازی تبریز، موتورن، هاکیران دیزل، لیفت تراک سازی، چوب و کاغذ گیلان، کشتی سازی خلیج فارس، جیت سازی تهران (پاکار)، گونی بافی شاهی، سیان ری، قند و شکر ورامین و دهها کارخانه و شرکت دیگر برگزار شد. در این کنگره اساتمام اتحادیه با اصلاحاتی تصویب شد و نام اتحادیه به ۱۱ اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکتهای تابع و وابسته سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تغییر داده شد. این اتحادیه که در زمان اوج گیری جنبش انقلابی بدینال احصایات برانگنده کارخانجات پامیزی شده اولین کنگره خود را در تیر ماه ۱۳۵۷ برگزار کرد و هیئت اجرایی

خبرهای کوتاه کارگری

- تهران - ۸۵ کارگر کارخانه اسپید سازنده بتونهای جنولجی بخاطر پسانین بودن مستزود و عدم رسیدگی کارفرما به خواستهای برحق کارگران دست به اعتصاب زدند. این کارگران در جریان مبارزات علیه رژیم سابق فلالانه شرکت داشتند ۵۵ روز اعتصاب کرده بودند.
- بوکان - کارگران و گروههای مختلف مردم بوکان در يك اجتماع هیستکی که روز چهارشنبه سوم مرداد تشکیل دادند درباره ایجاد شورای خلق و ضرورت همکاری و هیستکی بیشتر زحمتکشان کرد بحث و گفتگو کردند. اجتماع هیستکی مردم بوکان که بدفعوت اتحادیه های کارگری تشکیل شده بود بسا موفقیت پایان یافت.
- کرمانشاه - کارگران کارگاه میل لنگ تراشی موتور کار که در تاریخ ۲۹ مرداد اداره کارگاه را بهمه گرفته بودند، موفق شدند قسمتی از خواستهای خود را به کارفرما
- تهران - کارگران کارخانه کفش ملی از نماینده مبارز خود در شورای کارگران حمایت کردند و خواستار نظارت شوروی کارگران بر مسائل مربوط به کارخانه شدند. نماینده کارگران که بوسیله مسئولان فلسی کارخانه کفش ملی تهدید به اخراج شده «آقا شامی» نام دارد. مسئولان فلسی کارخانه که از طرف دولت بر امور کارخانه نظارت می کنند از نمایندگان شورا خواستند در کارها دخالت نکنند. در غیر این صورت از کارخانه اخراج و «مسند فی الارض» شناخته خواهند شد. شورای کارگران کفش ملی با حضور نمایندگان قسمتهای فروش تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این کارگر در برابر مسئولان دولتی کارخانه حمایت کند و به
- تهران - ۸۵ کارگر کارخانه اسپید سازنده بتونهای جنولجی بخاطر پسانین بودن مستزود و عدم رسیدگی کارفرما به خواستهای برحق کارگران دست به اعتصاب زدند. این کارگران در جریان مبارزات علیه رژیم سابق فلالانه شرکت داشتند ۵۵ روز اعتصاب کرده بودند.
- بوکان - کارگران و گروههای مختلف مردم بوکان در يك اجتماع هیستکی که روز چهارشنبه سوم مرداد تشکیل دادند درباره ایجاد شورای خلق و ضرورت همکاری و هیستکی بیشتر زحمتکشان کرد بحث و گفتگو کردند. اجتماع هیستکی مردم بوکان که بدفعوت اتحادیه های کارگری تشکیل شده بود بسا موفقیت پایان یافت.
- کرمانشاه - کارگران کارگاه میل لنگ تراشی موتور کار که در تاریخ ۲۹ مرداد اداره کارگاه را بهمه گرفته بودند، موفق شدند قسمتی از خواستهای خود را به کارفرما
- تهران - کارگران کارخانه کفش ملی از نماینده مبارز خود در شورای کارگران حمایت کردند و خواستار نظارت شوروی کارگران بر مسائل مربوط به کارخانه شدند. نماینده کارگران که بوسیله مسئولان فلسی کارخانه کفش ملی تهدید به اخراج شده «آقا شامی» نام دارد. مسئولان فلسی کارخانه که از طرف دولت بر امور کارخانه نظارت می کنند از نمایندگان شورا خواستند در کارها دخالت نکنند. در غیر این صورت از کارخانه اخراج و «مسند فی الارض» شناخته خواهند شد. شورای کارگران کفش ملی با حضور نمایندگان قسمتهای فروش تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت از این کارگر در برابر مسئولان دولتی کارخانه حمایت کند و به

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

رفیق ونداد ایمانی

بدست تو تجعین...

بقیه از صفحه ۱
و انتقام خون همه شهدای خلق را خواهد گرفت.

رفیق ونداد ایمانی که بود؟
رفیق در سال ۱۳۲۷ درمازندران تولد یافت و پس از پایان دوره تکمیل ابتدائی در شیرگاه بهت تکمیلی خاوند، ناچار به ترک تحصیل شد و از نو جوانی در کارخانه ساجی شماره ۲ قائم شهر (شاهی) به کارگری پرداخت. رفیق پس از هفت سال کار در کارخانه ساجی، به استخدام راه آهن درآمد و به مدت هشت سال به عنوان کمک راننده لکوموتیو کار کرد. رفیق ونداد ایمانی با وجود کار سختی که داشت دوره متوسطه را به پایان رساند. و پس از اخذ دیپلم در روستای شیرگاه بتدریس پرداخت و تا روز شهادت به آموزش کودکان روستا مشغول بود. رفیق یکسال پیش از شهادت خود بود و دارای کودکی سه ماهه بود.

رفیق ونداد ایمانی که از نو جوانی مناسی اشتغال و حشیانه سرمایه داران را با تمام وجود خود لمس کرده بود، در راه مبارزه به خاطر رهائی کارگران و زحمتکشان و علیه استثمارگران و ارتجاع، راه سرخ فدائی را برگزید و همین امر باعث شد، ارتجاع که مرگ خود را در آگاهی تو دماغ می بیند با یک توطئه طراحی شده رفیق را شناسائی و روز شنبه ۱۳ مرداد در راه قائم شهر به شیرگاه، زسر ضربات چاقو و سپس ضربات ننگ از پای آورده.

رفیق در جریان فعالیت های انتظامی، در آگاه نمودن تو دماغ از حقوقشان و انشای پیش نویس قانون اساسی به طور فعال شرکت داشت، از این رو مورد کینه و دشمنی عناصر مرتجع قرار گرفت. مزدورانی که در جریان روزهای پیش از انتخابات به احوال تنگین خود بافروندن و با پیشروی تمام با جناح های انقلابی حمله کرده و از پیش و نصب بیانیه و اعلامیه های که برای آگاهی مردم توزیع می شد جلوگیری می کردند، آنها که با چوب و چاقو و چاقو سپاری از مردم را در روزهای پیش از انتخابات مجروح ساخته سرمایه دار راه را بر رفیق شهید ونداد ایمانی بستند و او را به شهادت رساندند.

سازمان چریکهای فدائی خلق همسدا با همه نیروهای انقلابی و همه مردم آگاه ایران مسرانه خواستار دستگیری و مجازات عناصری هستند که مستقیم و یا غیر مستقیم در این جنایت دست داشته اند.

خلغهای مبارز آگاه ایران دست جنایتکار این مرتجعین ضد انقلاب را با قدرت تمام کوتاه خواهد کرد. راه سرخ فدائی تاریخی کامل زحمتکشان خلق از چنگ امپریالیسم و ارتجاع ادامه خواهد یافت تا از هم اکنون اعلام میداریم که مسئولیت حوالب هرگونه کوتاهی در دستگیری و مجازات مسببین این جنایت فجیع برعهده مقامات دولت و کمیته ها است.

تمام حشی فدائیان تمامی قشرهای خون ما وقت تو دماغ است. آنان که انقلابیون راستین خلق را بخون می کنند باید بدانند که هرگز نمی توانند از چنگ مردم بگریزند. پیروزی از آن خلقهاست.

تدرود بر رفیق شهید فدائی خلق ونداد ایمانی مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع پیروز باد مبارزات حقیقت طلبانه خلقهای ایران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا و هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند. تهران - پلوار کشاورز: عیابان دهکنه (میکنه سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹ (باجات مراجعه و تلفن پستاد از ساعت ۲ الی ۸ صبح) آدرس بانکی - تهران، بانک ملی ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۲۵۸۸ بنام عباس فضیلت کلام. از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند. شماره حساب اهواز - ۲۹۹۲ - بانک تهران شعبه مرکز محمد ابراهیم اکبری



من هیچ وقت نمی گویم اشرف مخلوقات از حیوان و نبات هم پستتر باشد. من هیچ وقت نمی گویم خر و گاو رئیس و بزرگتر داشته باشند چندان و زردک پیشوا و آقا و نماینده داشته باشند و مامخلوقات را دشمنان را بزنند بفرمودمان.

من درست الان یادم هست که خدا بیامرز خاله فاطمه هر وقت که ما جمعاً بعد از پدر خدا بیامرز، شیطانی می کردیم، خانه را سرمی گرفتیم، می گفت الهی هیچ خانه ای بزرگتر نباشد. بزرگتر لازم است، رئیس لازم است، آقا لازم است رئیس ملی هم لازم است، رئیس دولتی هم لازم است، اتفاق و اتحاد این دو طبقه یعنی ساختمان هم با هم لازم است. اما تا وقتی که این دو تا با هم نمانند که ما یکی را از میان بردارند.

این را هیچ کس نمی تواند انکار کند که ما ملت ایران در میان بیست کرور جمعیت، پنج کرور و سیصد و پنجاه و هفت هزار نفر وزیر، امیر، سپهسالار، سردار، امیرتومان، سرکنگ، سرتیپ، سلطان، یاور، میرمنجه، سرکره، شازدافر، یوزباشی، دمباشی و پنجه باشی داریم و گذشته از اینها باز ما ملت ایران در میان بیست کرور جمعیت (خدا برکت بدهد) شش کرور و چهارصد و پنجاه و دوهزار و شصت و چهار و دویست آیت الله، حجت الاسلام، مجتهد مجاز، امام جمعه، شیخ الاسلام سید سنده، شیخ، ملا، آخوند قلم، مرشد، خلیفه، پیر، دلیل و پیشنما داریم. علاوه بر اینها باز ما در میان بیست کرور جمعیت چهار کرور شاهزاده، آقا زاده، ارباب، خان، ایلیک، ایلیکچی و ایلدباشی داریم. زاده بر اینها اگر خدا بگذارد، این آخرها هم قریب دویست هزار نفر وکیل مجلس، وکیل انجمن، وکیل بلدیه، منشی و دختردار و غیره داریم.

همه این طبقاتی که عرض شد دوقسم بهتر نیستند. یک دسته رؤسای ملت و یک دسته اولیای دولت، ولی هر دو قسم یک مقصود ندارند. می گویند شما کارکنید زحمت بکشید آفتاب و سرما بخورید، لخت و عور بگردید گرسنه و تشنه زندگی کنید، بدهید مایه خوریم و شما را حفظ و حرمت کنیم. ما چهره می داریم فیضان قبول، خدا بی نشان توفیق بدهد. راستی راستی هم اگر اینها نباشند سنگ روی سنگ بند نمی گردد. آدم آدم را می خورد، تمدن و تربیت، بزرگی و کوچکی از میان می رود، البته وجود اینها کم یا زیاد برای ما لازم است. اما تا کی؟ بگمان من تا وقتی که این دو تا با هم نمانند کما یکی را از میان بردارند....

دوران استبداد صفیرو

دوقلمه کوتاه از: عزیز حاجی یگوف (۱۹۲۸ - ۱۸۸۵) نویسنده، شاعر و موسیقیدان بزرگ آذربایجان. درباره ایران از اخبار واسله چنین بر می آید که در حال حاضر مردم ایران در سه جزب بزرگ گرد آمده اند. یکی از این احزاب می گویند که ایران «مشروطه» شود. دیگری می گویند: غیر، ایران باید مشروطه شود و سومی می گویند که نه، ایران، باید «مشروطه» شود. حکومت هم در این میان سرگردان مانده است و نمی داند خواست کدام یک از اینها را بجای آورد. سلطنتهای اروپایی مصلحت او را در آن می بیند که بررسی کند ببیند آیا می تواند با حزب سومین هم دست شود؟

انشاءالله مملکت از دست نمی رود

از: سید اشرف الدین قزوینی (معروف به گیلانی) نقل از نسیم شمال شماره ۱۶ (دبچمه ۱۳۲۹): یک رفیقی داشتیم اسمش آخوند ملاساعیل پهلوان بود. هر حرفی که می زد، می گفت انشاء الله. یک روز به او گفتم: حالا که بازار ممدوی به کربلائی حسن بقال بگو روز جسمه بیاید زورخانه. گفت: انشاء الله. اما روز جسمه کلابن بزورخانه نیامد. بمشدی قائم گفتم: دختر هشت ساله ات را وادار درس بخواند و علم و اخلاق بیاموزد تا وقتی که مادرش به پیش او راهمانه تربیت کند. گفت: انشاء الله. بعد از سماء معلوم شد طفل هشت ساله را به یک پسر مرد شصت ساله شوهر داد. در راه ازتری به درشکمی گفتم: جامه دهن را پشت درشکه محکم کن. گفت: محکم است. انشاء الله طوری نمی شود. در بازار خمام دیدم جامه دهن آویخته شده و از زمین کشیده می خورد. گفتم: قارداش جامه دهن را محکم کن، نیتند. گفت: انشاء الله که نمی آتند. وقتی به بازار رسیدیم جامه دهن در بین راه افتاده بود. گفتم: قارداش، جامه دهن افتاد. گفت: انشاء الله پیدا می شود. ولی پیدا نند.

مصوم خانم هیال مندی شیان، میزب بود و روزی سه بار فحش می کرد. به او گفتم: هیالت را بفروست حکیم تا معالجه شود. گفت: می فروستم انشاء الله. بعد از چند روز که او را دیدم پرسیدم: هیالت را فروستی؟ گفت: می فروستم انشاء الله. بعد از یک ماه معلوم شد مصومه خانم از بی مکیبی و بی دوائی مرده و از دنیا رفته است. اسال کارها خوب می شود انشاء الله. زستان به خوشی خواهد گذشت انشاء الله. قرا از گرسنگی نخواهند مرد انشاء الله. روستا به خوشی معاوت می کنند انشاء الله. رشتها بقیه در صفحه ۶

ادبیات مشروطه هنوز تازگی دارد!

بناسبت سالگرد انقلاب مشروطه، و نیز بناسبت انتخابات مجلس باصلاح خیرگان، مبارزات انتخاباتی که خواه ناخواه وقایع دوران مشروطه را به یاد می آورد، مروری می کنیم بر ادبیات مشروطه و می بینیم که تا چه اندازه این ادبیات تازگی خود را برای ما حفظ کرده است. دلیل آن هم مشابهت مسائلی است که در دوران ما و دوران مشروطه، مردم با آنها درگیر بوده اند. از همین روست که پیش از آنکه به اشعار و نویسندگان آن دوران بپردازیم و بپردازیم هر یک از آنها با مسائل زمان خود در هر دوره آشنا شویم، بخشی از یک اعلامیه سوسیالدمکراتهای ایرانی مقیم قفقاز را نقل می کنیم تا ببینیم چگونه در آن دوره نیز بر علیه انقلابیونی که فدائیان خلق خود بودند توطئه می می شده است! این اعلامیه در شماره ۱۱ روزنامه مساوات (یک سال پس از صدور فرمان مشروطه، در تاریخ ۲۸ دبچمه ۱۳۲۵ قمری برابر با ۲ فوریه ۱۹۰۸ میلادی) خطاب به عموم فرقه های حریت پرست روسیه و عثمانی و سایر ملل دنیا، از جانب «فرقه اجتماعیهون عامیون» ایرانی مقیم قفقاز (سوسیالدمکراتها) چاپ شده است. تاریخ خود اعلامیه ۲۸ دبچمه است. و اینک بخش کوتاهی از آغاز آن:

درفقا! دوستان! در اولا درجه اندوه و ناامیدی شما را خبر می دهیم و از یک واقعه ملالت انگیز مستحضر می سازیم. طفل مشروطیت ایران که بمجاهدات حریت پرورانه فدائیان، تازه قلم به عرصه وجود گذاشته، بواسطه حرکات و حشیانه مستبدین ایران در هلاکت و خطر است. گرچه حکومت مستبد ایران در مقابل فرقه مجاهدین ناچیز و ضعیف است، ولی چه باید کرد که ایان برای مطلوبیت و شکست فقر و دشمنای مشروطه خواه با حکومت های ظالمه همجوار هم دست شده و از آنان معاوت و کمک می خواهند. همان طوری که در زمان شورش ملی فرانسه حکومت مستبد همسایه به حمایت مستبدین فرانسه برخاستند، بینهمان نقشه در ایران فراهم و برای جلوگیری و انقائ مشروطه خواهان و آزادی طلبان از دولتین روس و عثمانی مدد می طلبند و دست بیکی کرده، دربرهم زدن این اساس مقدس می دارند....

کارگر در مجلس ایمان

کارگر در مجلس ایمان؟!
از: میرزا علی اکبر طاهرزاده صابر (۱۹۱۱ - ۱۸۶۲) شاعر بزرگ قفقاز. ترجمه منظوم از: احمد شفا ای کارگر، آیا شمری خوشتر از انسان؟ انسان شدن ای لای، نسهل است و نه آسان. هر کس بود انسان، بودش جاه و جلالتی هر کس بود انسان، بودش مال و منالی. همت بکناری بودش، منزل عالی. این کلیه منخوبه میندار تو سامان انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان! بیخود شده ای قاطی در مجلس ایمان. بنشین و مشو داخل در صحبت آسان. جایز نبود دیدن انسان و فقیران.

با اهل فنا نیستی ای لای، تو یکسان! انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان! داده است بهمت و توانگر که مساوات؟ دارند هم از شکل و هم از اصل منافات. بی پول چگونه بتمد فضل خود اثبات؟ این منتقم آیا بودت قابل امکان؟ انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان!

چکش زن و وزاننده منه پای فراتر. گفته اند مساواتی، در حد مقرر، آخر ز چه بابت تو شبیهی به توانگر؟ روزانه یک عیاسی است مزد تو نغمیلیان! انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان! چون هست زر و سیم، شرافت بود از ما، املاک چو داریم، ایالت بود از ما، عدلیه ز ما، صدر حکومت بود از ما، کشور به خیالت مگر از نو شده خان - خان؟ انسان شدن احصی، شمار اینقدر آسان!

(این شعر در ۱۹۰۷ - کمی بعد از صدور فرمان مشروطه در ایران - سرود شده است)
دروس الاشیاء
از: چهرند و پرنده دهخدا

دروس الاشیاء

(شماره ۲۵ روزنامه صور اسرافیل، صفر ۱۳۲۶ ه. ق.، دوسال پس از صدور فرمان مشروطه)
ننا - جان! - این زمین روی چه؟ - روی شاخ گاو. گاو روی چه؟ - روی ماهی. - ماهی روی چه؟ - روی آب. - آب روی چه؟ - وای وای! الهی روت بیره، چقدر حرف می زنی، حوصله سرفرت. آفتابه لکن شش دست شام و ناچار هیچی! گفت نفور، عمل و خریزه با هم نمی سازند، نشنید و خورد، یک ساعت دیگر یارو را دیدم مثل مار به خودش می پیچد، گفت نکند نفور، این دو تا با هم نمی سازند. گفت حالا که این دو تا خوب با هم ساخته اند که من یکی را از میان بردارند!!! من می خواهم اولیای دولت را به عمل و رؤسای ملت را به خریزه تشبیه کنم، اگر وزارت علوم بگوید توهین است، حاضرم دویست و پنجاه حدیث در فضیلت خریزه و یکصد و چهل و نه حدیث در فضیلت عمل شاهد بگردانم. صاحبان این جور خیالات را فرنگیها «آثارشیت» و مسلمانها خوارج می گویند، اما شما را به خدا حالا دست خوبی نصیبید یعنی من، خدا پدرتان را بیامرزده، من هر چه باشم دیگر آثارشیت و خوارج نیستم. من هیچ وقت نمی گویم برای ما بزرگتر لازم نیست، میان حیوانات بیزبان خدا هم شیر پادشاه دوندگان است و به سر صبح عبارت شیخ سعدی، سیاه گوش هم رئیس الوزرات بلکه دراز گوش هم رئیس کشیکخانه باشد. میان میوه ها هم گلابی شاه میوه است و کلم هم شاید یک چیزی باشد و اگر مشروطه هم به بنیاد ساریت کرده باشد که سبب زمین لاید... (چهره عرض کنم که خدا را خوش بیاید) باری برویم سر مطلب.

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جز و دیگر



اعتصابات کارگری دولت استرالیا را با خطر سقوط روبرو کرده است

بند از دوام اعتصابات معدنی کارگری در استرالیا، مبارزات کارگران وارد مرحله نوبی شده است و دولت «مالکوم فریزر» را با خطر سقوط روبرو کرده است. اعتصابات اکثر صنایع و معدن... را فرا گرفته و تاکنون ضربات زیادی به اقتصاد استرالیا وارد کرده است و تنها اعتصاب ده هفته‌ای ۲۵۰۰ کارگر معدن سنگ آهن «پیلبرا» (ناحیه غربی استرالیا) ده میلیون تن به صادرات استرالیا که دومین کشور صادرکننده سنگ آهن است ضرر زده است. خواستهای کارگران معدن اضافه دستزد چهل درصدی و بهبود شرایط کار و زندگی است. دولت برای مواجهه با اعتصابات کارگران

بند از دوام اعتصابات معدنی کارگری در استرالیا، مبارزات کارگران وارد مرحله نوبی شده است و دولت «مالکوم فریزر» را با خطر سقوط روبرو کرده است. اعتصابات اکثر صنایع و معدن... را فرا گرفته و تاکنون ضربات زیادی به اقتصاد استرالیا وارد کرده است و تنها اعتصاب ده هفته‌ای ۲۵۰۰ کارگر معدن سنگ آهن «پیلبرا» (ناحیه غربی استرالیا) ده میلیون تن به صادرات استرالیا که دومین کشور صادرکننده سنگ آهن است ضرر زده است. خواستهای کارگران معدن اضافه دستزد چهل درصدی و بهبود شرایط کار و زندگی است. دولت برای مواجهه با اعتصابات کارگران

اعتصاب کارگران حمل و نقل در ایتالیا

کارگران حمل و نقل و شرکت نفت ایتالیا روز ۵۸۵۸۱۱ دست به یک اعتصاب سه روزه زدند. در نیمه این اعتصاب حمل و نقل و سوخت جت به فرودگاهها و پس بترینها با دشواری روبرو شد. و در فرودگاه رم نیز کارگران شرکت نفت ایتالیا از دادن سوخت به هواپیما ها خودداری کردند. کارگران ایتالیایی خواهان انعقاد یک قرارداد جدید کارگری هستند.

اعتصاب باراندازان استرالیا

در ۵۸۵۸۹۶) هزار اعتصاب باراندازان بنادر استرالیا فعالیت کنش‌رانی در این کشور بحال توقف کامل درآمد. این اعتصاب روزانه ۱۵ میلیون دلار خسارت مالی به دولت استرالیا وارد میکند. علت اعتصاب اخراج غیر قانونی ۲۲ تن از باراندازان در غرب استرالیا است.

اعتصاب عمومی در بولیوی

علت این اعتصاب یكروزه اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری بود. نظر به اینکه هیچکس از سه نامزد ریاست جمهوری بولیوی در انتخابات اول ژوئیه این کشور اکثریت قاطع را بدست نیاورده است کنگره بولیوی باید در مورد اینکه کدامیک از نامزدها باید رئیس جمهوری کشور شود تصمیم نهایی را خواهد گرفت.

پلیس بولیوی در روز ۵۸۵۸۱۲ بولیوی هواداران یکی از نامزدهای ترقی‌خواه ریاست جمهوری این کشور در تریپکی فرودگاه بین‌المللی لاپاز آتش گشود و در نتیجه یک تن کشته و بیش از بیست تن زخمی شدند. این تیراندازی در پایان اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته روز ۵۸۵۸۱۱ که از طرف سازمان مرکزی کار که بزرگترین گروه اعتصاب‌های کارگری است اعلام شده بود صورت گرفت.

کشتار و بازداشت اعتصاب‌کنندگان توسط پلیس دومینیکن

دانشتد آتش گشود. در نتیجه در این زبوجورد ۷ تن کشته و ۲۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. و پلیس سانتا دومینگو نیز اعلام کرد ۵۰۰ تن را بازداشت کرده است. با افزایش قیمت هر گالن بنزین در دومینیکن یک دلار ۸۵ سنت شد.

سندیکاهای رانندگان شهری در جمهوری دومینیکن بنوان اعتراض با افزایش ۴۸ درصد بهای بنزین و نفت در روز ۵۸۵۸۱۱ مردم را به یک اعتصاب ۴۸ ساعته دعوت کرد. در جریان این اعتصاب پلیس و ارتش بولیوی گروه‌های تظاهر کننده که قصد پیکارهای اعتراضی با افزایش نرخ بنزین و نفت را

بقیه از صفحه ۶

هر گونه خیانتی به مردم از جانب...

های جدید منتقد می‌کند، تصب‌آور مهنیت که چرا به قوانین دادرسی ارتش متوسل می‌شود. داستان ارتش، پرسنل انقلابی و سایر نیروهای انقلابی را تهدید می‌کند. برای مردم این شوال مطرح است که پس فرق این رژیم با رژیم گذشته چیست؟ در گذشته اگر کسی اعتراضی می‌کرد که چرا با امپریالیسم فرار دادهای نظامی بسته می‌شود و چرا قراردادهای چند میلیونی خرید اسلحه امضا می‌شود جزایش اعدام و زندان بود. و امروز نیز داستان ارتش به مردم می‌گوید که اگر صدایشان برآید محکومیت‌های طولانی مدت در انتظار آنهاست. اما داستان ارتش باید این واقعیت را درک کند که مردم ما مبارزه‌ای خونین را پشت سر گذارده‌اند و در این میان سطح آگاهی آنها بسیار بالا رفته است، آنها دیگر زجر بار این تهدیدها نمی‌روند، ما منتقدیم که اطلاعاتی داستان ارتش توطئه‌های بر علیه خلق و بویژه پرسنل انقلابی است. ما منتقدیم که هرگونه خیانتی به مردم از جانب هر که باشد باید افشا شود و هر سندی که بر علیه منافع خلق تنظیم شده باشد، باید مردم از آن آگاه گردند.

نتانده و خدمتگزار شاه مزدور بودند و از این روست که مردم قوانینی را که در چنین مجلسی تصویب رسیده معتبر نمی‌دانند. پس چگونه دولت بخود جرات می‌دهد و دستگرا نه ترین قوانین رژیم گذشته یعنی قوانین دادرسی ارتش را معتبر اعلام می‌کند. ما شوال می‌کنیم که مگر رژیم گذشته این قوانین را برای سرکوب توده‌های مردم وضع نکرد و باستاد قوانین دادرسی ارتش هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق را روانه میدانهای تیر و زندان های خود نکرد؟ پس چگونه است که پس از سرنگونی رژیم باید قوانین ضد خلقی آن همچنان معتبر باشد و داستان ارتش به قوانینی استاد کند که در اوج دیکتاتوری رژیم بولیوی یعنی در سال ۵۳ به تصویب رسیده است. طبیعی است هنگامیکه دولتی از انضای اسناد محرمانه، از انضای قراردادهای اسارت بار و از انضای زد و بندهای خود با امپریالیسم نگران است، باید هم که برای جلوگیری از انضای آنها قوانین رژیم گذشته را علم کند. وقتی که دولت بازرگان بر خلاف خواست مردم محرمانه باقیاء قراردادهای رژیم گذشته با امپریالیسم آمریکا می‌پردازد و یا قرارداد

تاریخچه جنبش کارگری جهان اولین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس) قسمت چهارم:

مارکس و انگلس مدافعان سرسخت کمون پاریس



آموزگار و کمونیست مارکس در اولین بیانیه خود درباره حکومت کارگری چنین گفتند: «طبقه کارگر فقط بوسیله سرنگون کردن سرمایه داران با نیروی اسلحهمی تواند قدرت را بدست گیرد».

پیروزمندهاش در نابود کردن قلمی تیر رئیس دولت بورژوازی فرانسه که در ورسای بکمین نشسته بود، همه راهزنان ورسای تشویق میکرد. او عقیده داشت که برای از بین بردن اتزواوی کون پاریس، باید سرما در خارج از شهر پاریس همچین در سایر کشورها به کار توضیحی و تبلیغی دست زد. مارکس همچین به کون اصرار میکرد که انقلاب را بنحوی در روستاها اشاعه دهد، با دهقانان متحد شده و آنان را به مبارزه بکشاند. او بویژه بر لزوم مبارزه با بانک فرانسه بنظور قطع منبع اقتصادی مرجعین اصرار داشت. مارکس همچین تا آنجا که مقهور بود اطلاعاتی را در خصوص ارتباط مغفیان بروس و ورسای فراهم می‌کرد و در اختیار رهبران کمون می‌گذاشت. او کون را به تقویت مواضع دفاعی خود تشویق کرد و نیز از مدافضان کون خواست تا فریب دروغهای دولت بروس را که ادعا داشت در دعوی پاریس - ورسای بیطرف خواهد ماند، نغورند. جای تاسف است که رهبران کون نتوانستند این رهنمودهای بسیار ارزش مارکس را بدرستی بکار بندند. کون پاریس صفتا توسط پلانکیست‌ها و پرودونیست‌ها که هیچکدام آنها مارکسیست نبودند رهبری میشد. بیانی اعتقادی پرودونیست ها، آنان را به مخالفت با هرگونه «دیکتاتوری» وادار میکرد. آنها متفق بودند که دشمنان را باید با «نیکی و احسان» براه راست هدایت کرد. از سوی دیگر پلانکیست‌ها امیدوار بودند میتوانند سوسیالیسم را از طریق فعالیت های ترویجی و مخفیانه یک مشت افراد و بدون شرکت توده‌ها، تحقق بخشند. پلانکیست‌ها و پرودونیست‌ها عقاید یکدیگر را رد میکردند. پرودونیست‌ها جزوای منتشر کرده و برده از اختلافات در درون کون برداشتند. مارکس

در سه شماره گذشته اعتلای جنبش انقلابی فرانسه را در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، قیام کارگران پاریس و استقرار اولین دولت کارگری جهان و دستاوردهای این دولت انقلابی و حمله ارتجاع به کون پاریس و دفاع قهرمانانه طبقه کارگر و زحمتکشان پاریس از انقلاب خود و سرانجام شکست کون را بررسی کردیم. در این شماره به موضوع گریها و حمایت های مارکس و انگلس از کون پاریس می پردازیم:

مارکس و انگلس آموزگار بزرگ پرولتاریا که توجه زیادی به جنبش کارگری فرانسه داشتند، از نزدیک جریان قیام پاریس و تشکیل کون را متقیب کردند. مارکس که در آن زمان در لندن به حال تبعید بسر میبرد، تمام هم خود را متوجه این نبرد عظیم انقلابی کرده بود.

در پاییز سال ۱۸۷۰ میلادی (۱۲۴۹ هجری شمسی) مارکس بارها به کارگران پاریس توصیه کرده بود: مادامیکه شرایط به حد کافی مساعد نشده است از دست زدن به قیام مسلحانه خودداری کنید. اما زمانی که در مارس ۱۸۷۱ (۱۲۵۰ ه - ش) پرولتاریای فرانسه بتفنگ بدست گرفت و با یک ارتزی انقلابی و سرکش برای تسخیر قدرت به حرکت درآمد. مارکس فاصله از انقلابیون حمایت کرد و به کون پاریس کمکهای فراوانی کرد. وی با شور و شغ و صفتا پیروی در این باره نوشت:

«چه نرمش، چه ابتکار تاریخی، از زنده‌های وجه از خود گذشتگی، بکوهنندی تاریخ نمونه دیگری با چنین عظمتی به خاطر ندارد».

تولد کون پاریس، بورژوازی جهانی را سخت به وحشت انداخت. این بورژوازی کمنر با سلاح «انضاد مقدس» ضد انقلابی متحد شده بود، تمامی دستگاه تبلیغاتی را برای انتشار انواع شایعات بی‌اساس بنظور ایجاد وحشت در میان مردم بکار انداخت و در سطح جهانی شدت کون را مورد حمله قرار داد. مطبوعات بورژوازی آلمان، آمریکا و انگلستان کون را متهم کردند که «حکومت ترور» ایجاد کرده است. سزار الکساندر امپراطور روس در حالیکه در ظاهر «صلح» بین فرانسه و بروس را توصیه میکرد و می کوشید نقش میانجی را در منازعات بین این دو کشور بعهده بگیرد، طرفین را به ایجاد تنام برای سرکوبی کون پاریس تشویق می کرد.

مارکس و انگلس که سیمانه حمایت از مبارزات انقلابی کون پاریس را بهمه گرفته و دفاع سرسختانه از قدرت نوین انقلابی در پاریس را وظیفه خود میدانستند، در مقابل این حملات کینه‌توزانه دشمن طبقاتی در داخل و خارج فرانسه، بی‌خاستند. آنها در حدامکان و با تمام قوا برای بسیج هواداران کون پاریس و حمایت موثر از آن، از راه دور به اقدامات مهمی دست زدند. آنان از طریق «نشورای عمومی بین‌الملل اول کارگران» نامه های متعددی برای شبات متعدد بین‌الملل در کشورهای مختلف ارسال داشته و ضمن تشریح ماهیت پرولتاری قیام پاریس دولت کون و اهمیت تاریخی آن، از کارگران همه کشور های جهان خواستند تا بهیاری کون پاریس بشتانند. مارکس و انگلس مقالاتی در مطبوعات کشورهای مختلف انتشار داده و در آن چهره واقعی انقلاب پرولتاریایی پاریس را نشان دادند و تمحها و دروغ پردازیهای بورژوازی جهانی را افشاء کردند.

تا زمانی که کون پاریس وجود داشت، مارکس از نزدیک جریان انقلاب را متقیب میکرد و راهنماییهای موثری در زمینه جهت گیریها و حرکتیهای کون ارائه میداد. او بیکنهایی را برای تماس با کون و ارائه رهنمودهای منتیم و گرفتن اطلاعات دست اول به پاریس روانه میکرد. این رهنمودها شامل تاکتیک مبارزه، تکنیکهای نظامی و همچنین تدابیر اقتصادی - اجتماعی بود، که باید اتخاذ میشد. وی کون را به ادامه پیشروی

توضیح در باره مقالات ترویجی اقتصاد سیاسی و درباره حزب

از آنجا که صفحات نشریه کار محدود است و از آنجا که اخبار و گزارشات کارگری و دهقانی و همچنین افشاکاریها و تفسیرهای سیاسی رزنامه بعدلییل اهمیتی که دارند و به دلیل طبیعت نشریه که در درجه اول چاپ چنین مطالبی است، می‌باید قطعا در همین نشریه به چاپ برسند، ناچار بودیم از چاپ برخی از مطالب ترویجی در نشریه خودداری کنیم. از همین رو هیئت تحریریه نشریه تصمیم گرفت از این پس اقتصاد سیاسی را که مطلبی عام به حساب می‌آید، بطور جداگانه و یا در نشریه نبرد خلق به چاپ رساند. در ضمن مطلب درباره حزب از چند شماره آینده بطور مرتب ادامه خواهد یافت.

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

ادبیات مشروطه هنوز تازگی دارد!

حمت کرده به فکر فترا می افتند انشاء الله. مملکت از دست نبرود انشاءالله...

شعر از نسیم شمال (سید اشرف الدین)

اشرف از این پیش جبارت مکن
با همه خلاق منم خصم و ضد
مستبدم مستبدم مستبدم
مطربکا، خیز و بزنجک و رود
دولت اگر رفت، به تخم رنودا
میخورم از خون رعیت شراب
هیچ ترسم ز عذاب و عقاب
من چه کنم خصم شده تر نماغ
زیر و زیر شد همه سواجبلاغ
رفت ارومیه خراسان بس است
هیچ نباشد خود طهران بس است

مثل شاه مخلوع!

نقل از روزنامه بهلول، شماره ۱۶، سال ۱۳۲۹ ه. ق. (پنج سال پس از مشروطه)

بمدریت شیخ حسن
گویند که دسته ای ز جهال
تا مثل زمان شاه مخلوع
باشند امیر دست قزاق
بر گردنشان بهد حکومت
مشروطه طلب کنند توقیف
در ضمن به فرقه دموکرات
بهلول گراین سخن بنویسد
فرضا که بودند چون بهایم
عاقل نکند تصور ایراک!

۱- ایراک: زیراک

دود و کلک انتخابات!

(در انتخابات دوره سوم، سال ۱۲۸۹ شمسی)
از: ملک الشراة بهار.

ماه مشروطه در این ملک طلوعیدن کرد
انتخابات دگر بار شرویدن کرد
شیخ در منبر و محراب خوشیدن کرد
حقه و دوز و کلک باز شیوعیدن کرد
وقت جنگ و جدل و نوبت فحش و کتک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است
این و کالت نه به آزادی و خوش تعلیمی است
نه به دانش تاریخ و حقوق و شیمی است
بلکه در تنبلی و کم دلی و پیری است
یا به پوتین و کلاه و فکل و تعلیمی است
یا به تبیج و به صامه و تحت الحک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است
حضرت آقا! خوش باش که فالت فال است
از زر و سیم دگر جیب تو مالامال است
هر که آقا است، نکو طالع و خوش اقبال است
که نمایندگی مجلس و قیل و قال است
گاو میر آخور و بیرونی و چوب و فلک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است
طرفه عهدیت که هر گوشه کنی، روی فراز
گله زندان بیسی همه با عشوه و نواز
نه ادارات میراست نه محراب نماز
هر که دزدت بهر جای بود محرم راز
هر که زدنی نکند همر خسار و خشک است
انتخابات شد و اول دوز و کلک است

سانسور اشعار فرخی یزدی در «بهار آزادی»!

حتا ترانه زیبایی را که با استفاده از غزل معروف فرخی یزدی «آن زمان که بنهام سر بهای آزادی» ساخته شده است شنیده‌ام ولی شاید ندانید که در «بهار آزادی» ما دوبیت از این غزل سانسور شده است. البته از طریق همان «خود سانسوری» که شرایط به غالب هنرمندان تحمیل می‌کند. در اینجا ما متن کامل این غزل را که شرایط زمان خود او را توصیف می‌کند چاپ می‌کنیم:

آن زمان که بنهام سر بهای آزادی
تأمیر بدست آرم دامن و سانسور را
با عوامل تکفیر صف ارتجاعی باز
در محیط طوفان زای، ماهراندر جنگ است
شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار
چون بقای خودینند در فتنای آزادی
می‌توان ترا گفتن پیشوای آزادی
فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل
دل تثار استقلال، جان فدای آزادی
بهی از یک غزل دیگر فرخی یزدی در رابطه با انتخابات مجلس:
هیچ چیزی نیست کاندر قبضه اشرف نیست
گر و کالت هم قند در چنگشان انصاف نیست
شاه و دربار و وزارت عز و جاه و ملک و مال
هیچ چیزی نیست کاندر قبضه اشرف نیست
بسه از سرمایه‌داران، مجلس ما گفته بر
اعتبارش هیچ کسم از دکه صراف نیست
پوستش با داس برکن با چکش مغزش بکوب
هر توانگر را که با ما قتب قلبش صاف نیست
حرفه و زحمت جو اوصاف وکیل ملت است
بگذر از هر کس که او دارای این اوصاف نیست
و سرانجام اینهم یک رباعی وصف حال از فرخی یزدی:
چون مرتجعین آلت نیرنگ شدند
القاص بنام حفظ اسلام ز کفر
یکدسته ز روی سادگی رنگ شدند!

بر خلق ستمدیده بلوچ چه می‌گذرد؟



وابستگی کشور به سرمایه‌داران خارجی است و ناگزیر است مراکز قدرت و سرکوب را احیاء نماید. کسیت که ماهیت خانها و عوامل مزبور را که سالها عامل سرکوب بودند، نداند، فقط آنها که کاتالان در زبان و فقر و سرکوبی مردم تا مین می‌شود، هستند که برای همه جنایت چشم می‌پوشند. نابود باد جبهه سازشکاران با مرتجعین برقرار باد پیوند واقعی خلقهای ایران «دانشجویان پیشگام بلوچستان» ۱۳۵۸/۵/۱۵

دادم میشود که در حیطه تسلط خود امنیت منطقه را که در واقع جپاول و سرکوبی مردم است، بهیله بگیرند. در چاه بهار و کنارک، هر یک از تفنگداران و مزبوران وی ماهیانه ۱۵۰۰ تومان از دولت مزد و ۱۵۰۰۰ تومان باج و مالیات منظم از مردم میگیرند. حتی زاندا، امری ایرانی، «نفر» در اختیار شیرانها گذاشته و چراغ خان با حلیکوپتر هنگ ژاندارمری مناطق زیر حکومت خود را کنترل مینماید. کازرونی، فرمانده کل ناحیه ژاندارمری استان، در زمان شاه فرمانده هنگ ایرانی بود که در دزدی با قاچاقچیهها و خوانین همدست شده ولی در یک دزدی ۸۰۰ هزار تومانی لو می‌رود و از دستش در ایران نهر برکنار می‌شود. ایشان بهرکت انقلاب و روی کار آمدن دولت به اصطلاح انقلابی آقای بازرگان برگردانده شده و فرمانده کل ناحیه ژاندارمری میگردد. به پستوانه و دیگر کرمی چنین نمایندگان انقلابی دولت است که در (رامک) از دعوات اطراف فتوح، اصطوخان داماد محمد خسان میرانشاری به فکر احیای روابط خانمانی می‌اند و مبلغ ۱۸۰ هزار تومان مالیات غصب افتاده دوره شاه را از دهقانان می‌گیرد و به گفته خود (که اگر شاه برود مالیاتهای غصب افتاده را می‌گیرد) عمل می‌کند. اصطوخان از مردم ده که حدود ۱۰۰ خانوار می‌باشند برای ساختن قلعه خانی خود بیگاری می‌کند و بیشرمی را به آن حد می‌رساند که دهقانان را مجبور میکند برای آنکه خشتهایش هنگام حمل به بالای تپه نشکنند آنها را بر دوش خود حمل کنند.

بقیه از صفحه ۱

درباره وسائل ایمنی کار

فرستاده و وسایل را بین کارگران تقسیم و پیگیری را نیز در انبار شرکت می‌کنند. کارفرما و مهندسین شرکت تمام تلاش خود را بکار می‌برند که به کارگران و کارمندان بقیولند که این حادثه در ساعت ۷:۵۵ یعنی قبل از شروع کار اتفاق افتاده است و به این ترتیب ثابت کنند که شرکت مسئولیتی ندارد. کارفرما برای تجهیز کارگاه و از جمله تهیه وسایل ایمنی ۴ میلیون تومان از خانه‌سازی گرفته که تمامی را به جیب زده است. شیوه عمل کارفرمایان در دو مثال فوق و تمامی این نوع حوادث یکسان است. حد اکثر تلاش برای منته کردن و بی مسئولیت جلوه دادن خویش، و در باره کارگران بهی احتیاط و سهل انگاری و بی مسئولیت جلوه دادن آنها، و درانیزه از بیشرمانه ترین کارها که دو مورد بالا ذکر شد کوتاهی نمیکنند. این کوشش سرمایه‌داران تنها بدین خاطر است که از پرداخت غرامت که تنها ندرای از دسترنج کارگران است به کارگر ستمدیده خودداری کنند. در نظام سرمایه‌داری کسب سود بیشتر و استتار هر چه بیشتر هدف سرمایه‌داران است. این سوجدویی سرمایه‌داران با ایجاد شرایط مناسب محیط کار و تهیه وسایل ایمنی و غیره در تقاضای فراتر می‌گردد. بنا بر این شرط خود کارگران هستند که باید با تشکیل در سندیکاهای واقعی حداکثر تلاش خویش را برای مجبور کردن سرمایه‌داران، دران، ایجاد شرایط مناسب محیط کار و تهیه وسایل ایمنی و غیره بنمایند.

بقیه از صفحه ۱

بقیه سرمقاله

نتیجه انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری...

خودشان هم متول شماسر آرا و اعلام نتایج و البته نتیجه هم از پیش معلوم بود. اما با همه اینها گردانندگان انتخاب و مسئولان امر شکست بزرگی متحمل شدند. شکستی که حکایت از آگاهی روزافزون توده‌ها و الفتی حمایت انصار طبیان دارد. مردم استقبال آن چنانی از انتخابات کردند و حتی بنا به آمار دولت کمتر از نصف رای دهندگان در انتخابات شرکت جسته. آمار انتخابات بیانگر نفرت و بیزاری روز افزون توده‌ها از احیای روابط گذشته و از سیاستهای انصار طبیان است. این آمار نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس خبرگان، تازه بعد از همه تلبه‌های پنهان و آشکار فقط می‌توانند مدعی شوند که نماینده اقلیت مردم هستند، چرا که اکثریت مردم از آنها پشتیبانی نکرده‌اند. پرواضح است که قانون اساسی که باید با شرکت نمایندگان همه مردم تدوین شود نمی‌تواند بدست گروهی که تازبه پس از این همه تقلب به عنوان نماینده اقلیت از صندوقها بیرون آمده‌اند تدوین و تصویب شود.

پس از حمله وحشیانه و ضرب و جرح هفت هوادار سازمان را بازداشت کردند

امیدیه اهواز - روز شنبه ۵۸۴۲۳۳۳ نفر از فروشنده‌گان و خریداران روزنامه کار در امیدیه مورد حمله گروهی از آوایش و چاقوکنان قرار گرفته و مجروح شدند. مجروح شدگان برای شکایت به کمیته مسجد جامع مراجعه می‌کنند اما بعضی ورود مستگیر می‌شوند. نفر سوم نیز که بطاهر جراحاتش قرار بود توسط مأموران کمیته به بیمارستان منتقل شود سر از بازداشتگاه در می‌آورد. فردای آن روز ۴ نفر دیگر از هواداران سازمان که قبلاً شناسایی شده بودند مستگیر می‌شوند. بنیال مستگیری. این رفقا مأموران کمیته شبانه هفت نفرشان را به کمیته میانکوه منتقل کرده و در آنجا آنها را تحت فشار و تهدید قرار می‌دهند. مأموران کمیته زمانی که قصد داشتند مستگیرشدگان را به اهواز منتقل کنند با مقاومت آنها روبرو شده و بالاخره مجبور می‌شوند چهار نفر از مهاجران را بنام شیرالی - راکه پور - هوشمند - ابوالحسنی (که سابقه طولانی در دزدی، و بعضی مواد مخدر دارند) مستگیر کنند اما پس از انتقال رفقا به اهواز «ستارسان» دانستان وقت انقلاب اسلامی اهواز حکم زندانی کردن آنها را صادر می‌کند و سپس به زندان کارون منتقل می‌شوند. همزمان با این انتقال مهاجرین نیز آزاد می‌شوند. هفت نفر هواداران سازمان طی نامه‌ای از محیط هفتان آور ز زندان شکایت می‌کنند. ولی مسئولان زندان برخلاف تمام موازین زندانیان زخمی را مطالعه نمی‌کنند و حتی از دادن وسایل اولیه به آنها نیز خودداری می‌کنند و یک نفر ساواکی را برای تحت فشار قراردادن آنها به سلولشان می‌فرستد. براساس آخرین خبر رفقای تا تا یک هفته پیش در زندان بوده‌اند و ما هنوز خبری کماکی از آزاد شدن آنها باشد دریافت نکرده‌ایم.

توضیح در مورد يك خبر

در شماره ۲۱ روزنامه کار مورخ ۱ مرداد ۵۸ خبری تحت عنوان «موقوفه کارگران شرکت باجستانی فرکاره درج شده بود. در خبر مذکور اشتباهات دخالت ژاندارمری و استفاده از چوب و چپاق برای برآکندن کارگران ذکر شده بود که بدینوسیله تصحیح می‌شود.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



گزارشی از:

مبارزات کارگران شرکت حفاری ایران دینک اندیتس



طبق طرحی که از طرف شرکت نفت اعلام شده است، قرار است کلیه شرکت‌های حفاری چاه‌های نفت تعطیل شود و تنها شرکت سدیدان با ۶ دکل چاه کار خود را ادامه خواهد داد. جمع کل کارگران این شرکتها در حدود ۲۷۰۰۰ نفر می‌باشد. تاکنون دو شرکت با همکاری دولت و طرف‌های تعطیل شده است و با توطئه‌هایی که از طرف صاحبان امپریالیستی این شرکتها و شرکت نفت چیده شده است کلیه کارگران این دو شرکت اخراج خواهند شد. می‌توان گفت کارگران مبارز شرکت‌های حفاری در برابر این اجزا، مبارزه گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند و خواستار ملی شدن کلیه شرکت‌های حفاری و استفاده رسمی خود در شرکت نفت شده‌اند. در زیر گزارش می‌شوند از مبارزات کارگران دینک اندیتس. کارگران اصلی شرکت دینک که علیات حفر چاه را بر عهده داشته در سرچاهها می‌باشند. تعداد کل کارکنان این شرکت ۶۵۱ نفر ایرانی است. قبل از قیام ۶ چاه شرکت کار می‌کرد اما تا ۵ چاه تنها دو چاه آن کار می‌کردند، اکنون پس از یازده سال منقض شده است که سه چاهی که در اختیار شرکت بوده و متعلق به شرکت نفت است، صاحب امریکائی شرکت آنها را از طریق بانک توسعه منابع و خرید از شرکت کارکنان شرکت از لحاظ حقوق در یک طبقه وسیع از ۳۵ تومان در روزگرفته تا حدود ۱۰۰۰ تومان (برای کارکنان بالای شرکت) حقوق می‌گیرند. نحوه کار کارکنان بدین نحو بوده است که دو هفته تمام روزی ۱۲ ساعت کار کنند و یک هفته استراحت نمایند. شدت و سختی کاروان کارگران را از آنجا گرفته و شدیداً سخت می‌شوند. اکثر کارگران شرکت حفاری اهواز در شهرهای زندگی می‌کنند و غارتگران خارجی هیچگاه سسی نکرده که در نزدیک محل کار کارگران یا در اهواز برای آنها مسکن تهیه کنند.

موانع مبارزاتی کارگران حفاری دینک اندیتس

در سالهای گذشته که رژیم دیکتاتوری شاه هرگونه حرکت کارگری را با شدت سرکوب می‌کرد کارگران حفاری ایران مستیابی به خواستهای سنی خود دست به چند اعتصاب زدند.

در سال ۴۹ کارگران چاه ۵۹ سدکو دست به اعتصاب زدند و خواستار برآورد شدن خواستهای سنی خود شدند. علی‌رغم تهدید ساوک و کارفرما به دستگیری کارگران اعتصاب همچنان ادامه یافت. ساوک ده نفر از کارگران را بازداشت و سپس اخراج نمود. اما بر اثر مقاومت کارگران شرکت مجبور شد دو ساعت اضافه حقوق را بقبول کند. در اواخر سال ۵۲ کلیه کل ششمان و چهار نفر از چاه‌های دینک اندیتس دست به اعتصاب زدند اما مقاصد شرکت با استفاده از تمام امکانات سرکوب و اخراج نوینر بناهای برزو و کلاستر اعتصاب را درهم شکستند. مهندسین اعتصاب کارگران دینک در اوائل مهرماه ۵۷ بود. در این اعتصاب توسط نمایندگان برای درهم شکستن اعتصاب، پلت وحدت و یکپارچگی کارگران درهم شکست و شرکت مجبور شد که خواستهای سنی کارگران از جمله حق مسکن از ۲۷۵ تومان به ۶۰۰ تومان و ۲۵ درصد اضافه حقوق و... را بپذیرد.

پس از آن دوران حکومت نظامی اهواز کارگران چاه ۶۵ دست به اعتصاب سیاسی زدند و با کارگران شرکت نفت و سلطان کشور تا پیروزی نهایی اعلام هستیگی کردند. پس از سرنگونی رژیم شاه تنها دو دکل شرکت شروع به کار کردند که در این مدت ۵ چاه نفعی را آماده کردند. در همین اوان رژیم شاه اخراج و تعطیل شرکت بگوش کارگران رسید. کارگران چاه‌های ۵۷ و ۵۸ با انتشار اعلامیه‌هایی هرگونه توطئه بر علیه کارگران را محکوم کردند و خواستار استخدام رسمی در شرکت نفت و معاشی شدن چاههای نفت شدند. اما دستور شرکت نفت تنها یک چاه به کار ادامه داد و بقیه کارگران بی‌کار شدند. در روز دوشنبه ۴ تیر تمام کارگران دربار جمع شدند. آنها پلاکاردهایی با خود حمل می‌کردند که بروی آنها نوشته شده بود: «اتحاد کارگران تنها راه مقابله با بیکاری و امپریالیسم است».

بقیه از صفحه ۸

ذغال فروشی و غیره بود. ولی متأسفانه با تاسیس شرکت تعاونی روستائی در «پتیوا»، شرکت قبلی در شرکت تعاونی ادغام شد. و چون هیئت مدیره نتوانست خود را با نظم جدید منطبق سازد، مستعفی شد و شرکت تعاونی نیز مواجه با مشکلات و در نتیجه گسسته شدن امور وعدم استرداد وام از جانب عمده‌ای از ضلالت باز ایستاد. آنچه که از چگونگی کم و کیف کار شرکت های تعاونی روستائی به شما می‌آید ما را بدو نتیجه می‌رساند:

روابط غارتگرانه شرکتهای تعاونی روستائی باید از بین برود

برای روشن شدن ماهیت این اساسنامه کافی است به بررسی چند ماده که براساس آن وام توزیع می‌شود، بپردازیم:

ماده ۵- از آئین‌نامه معاملات اعتباری شرکتهای تعاونی روستائی بمنظور تقویت بنیه مالی و توسعه امور شرکت در برابر یکپارچگی ریال وام نقدی و یا مبالغ کمتر از آن صادر یک سهم از سهام شرکت نام وام گیرنده کسر می‌گردد. با این حساب شرکت تعاونی علاوه بر بهره بانکی ۶ درصد هم چندین درصد نیز بعنوان افزایش سهم یعنی مجموعاً ۱۱ درصد در موقع پرداخت، از مبلغ وام کسر می‌کند. علت این امر را از يك کشاورز گیلانی که خود درسال جاری مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به شرکت تعاونی بدهکار و ۲۸٪ سهم در شرکت دارد، جویا شدیم، او اظهار داشت:

«دولت میدانند، هر سال که می‌گذرد از میزان توانائی مالی‌مان کم میشود ولی در عوض وامی که می‌گیریم، سهامان افزایش می‌یابد، بالآخره کار به آنجا می‌رسد که در ازای عدم توانائی پرداخت، سهامان ضبط می‌گردد».

ماده ۳- میزان وام قابل پرداخت بهسر عضو بسته به امکانات مالی شرکت و با توجه به میزان سهام خریداری عضو - طرفیت تولید- میزان احتیاج - نوع مصرف وام و قدرت بازپرداخت بدی از طرف وام گیرنده و متناسب با مخارج عملیات طرح یا برنامه مورد نظر با مرجع تصویب کننده وام خواهد بود.

تیسر- حداقل هر یک از انواع وام قابل پرداخت بیک عضو نرخ بهره وام طبق نظر سازمان مرکزی تعاونی روستائی خواهد بود.

ماده ۳- آنجا که تاکید بر «میزان وام قابل پرداخت بهسرخو را برحسب میزان سهام خریداری شده، عضو» دارد، بروشنی ماهیت چاولگران شرکت تعاونی را کاملاً ظاهراً باید دست سفاح و نزول خواری را در صورت قطع کند نشان میدهد، شرکت تعاونی با شرایط دشوارتر از سفاحران و نزول خواریان از قبیل معرفی شدن و وثیقه و کم بودن میزان وام، عدم دست‌آوردن آن را برای غارت روستائیان بازگذاشته است. همچنین در موقع پرداخت

میزان وام قابل پرداخت بهسر عضو بسته به امکانات مالی شرکت و با توجه به میزان سهام خریداری عضو - طرفیت تولید- میزان احتیاج - نوع مصرف وام و قدرت بازپرداخت بدی از طرف وام گیرنده و متناسب با مخارج عملیات طرح یا برنامه مورد نظر با مرجع تصویب کننده وام خواهد بود. تیسر- حداقل هر یک از انواع وام قابل پرداخت بیک عضو نرخ بهره وام طبق نظر سازمان مرکزی تعاونی روستائی خواهد بود.

ماده ۳- آنجا که تاکید بر «میزان وام قابل پرداخت بهسرخو را برحسب میزان سهام خریداری شده، عضو» دارد، بروشنی ماهیت چاولگران شرکت تعاونی را کاملاً ظاهراً باید دست سفاح و نزول خواری را در صورت قطع کند نشان میدهد، شرکت تعاونی با شرایط دشوارتر از سفاحران و نزول خواریان از قبیل معرفی شدن و وثیقه و کم بودن میزان وام، عدم دست‌آوردن آن را برای غارت روستائیان بازگذاشته است. همچنین در موقع پرداخت

از دیگر نمونه‌های سوء استفاده مالی، در هنگام پرداخت وام صورت گرفته است. باین ترتیب بود که هیئت مدیره با همکاری سرپرست‌حوزه، در ازای گرفتن رشوه وام بیشتری پرداخت می‌کرد.

از نتیجه از وام پرداختی بهکارگران که حتی احتیاج بیشتری بدان داشتند، کم‌میشد. بعنوان نمونه در یکی از روستاهای گیلانی یک معلم مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال وام داده شده، درحالی که بخوشش ششماه روستا که عضو شرکت نیستند، حداقلتر وامی که داده شد ۱۰۰۰۰ ریال می‌باشد. در مجموع چون این شرکت پدیده‌ای است که از خارج روستا تحصیل شده و متاع وامی آنان را در نظر ندارد علاوه بر آن سالها فعالیت هیچ کرمه اساسی از کار آنان نگذرد. در وظایف ۱۷۵ ماده‌ای شرکت های تعاونی روستائی و دیگر بخشنامه علاوه بر حق دخالت های مستقیم و غیر مستقیم به وزارت تعاون روستاها دراداره امور شرکت های تعاونی داده شده است، مامورین سازمان مرکزی تعاون روستائی بصورت حامل و اداره کننده تعاونی ها درآمد و چنانچه فعالیت و کوشش اعضا شمامند تعاونی واقعی آن است که بوسیله مردم بوجود آمده و از طرف آنها اداره شود و نقش دولت در تعاونی باید از طریق کمک و ارشاد باشد نه دخالت. امر تعاون و همکاری بین روستائیان از دیر باز وجود داشته و ناشی از انجام کارها و مسائل اقتصادی بود که از عهده یک نفر بر نمی‌آید. باین دلیل با همکاری همکاری می‌گردد. از نمونه‌های آن می‌توان از همکاری روستائیان در ایجاد شبکه های آبیاری و قنوت دربرداشت محصول دامکاری، راهزنی و غیره یاد کرد. تناقض که بین خودیاری و روحیه سنی تعاونی روستائیان با وضعیت این شرکتهای موجود بود باعث شد که بهیست تعاونی بومی در واحدهای کار زراعی (بنه، گاوینه، صحرای...) تا حدودی لطمه خورد. رژیم گذشته که نماینده سرمایه داری وابسته و زمینداران بزرگ بود در مواردی با استفاده از شرکت تعاونی توانست حتی کوچکترین اشکال همکاری و تشکیل روستائیان را از بین ببرد «در گزارش شرکت های تعاونی روستائی منطقه تهران» آمده است: «قبل از تاسیس شرکت تعاونی در روستای «پتیوا» عمده‌ای در حدود ۱۵۰ نفر شرکتی تاسیس نمودند و با جمع‌آوری مقداری پول اقدام به خرید برنج از مازندران و فروش آن در «پتیوا» و دهات اطراف آن نمودند. همکاری این عده سه سال یعنی تا تاسیس شرکت تعاونی روستائی «پتیوا» طول کشید و در این مدت بضمیمه بکار خود ادامه میداد و سود حاصله نیز سالانه بین اعضا تقسیم می‌گردد. از اقدامات بعدی این شرکت که هیئت مدیره تعیین بهاجام آن داشت دایر نمودن فروشگاه هاش علاوه بر فروشگاه برنج، از قبیل قصابی،

● باید تمام مظاهر وابستگی در روستاها از بین برود

وام از زارع تمهید گرفته می‌شد که حق فروش محصول را ندارد تا اینکه دولت از او خریداری کند. اگرچه روی این زیاد با فشاری نمی‌شد. با وصف بر این اگر تعدادی از دهقانان بدی بهسلفخیر و... نشانند که مجبور به فروش محصول خود شوند و می‌خواستند آنرا بدولت بفروشند، دولت بدون در نظر گرفتن هزینه های انجام شده در مراحل مختلف (کاشت برداشت) نرخ محصول را در اطاق درسته هیئت مدیره شرکت تعاونی که معمولاً از دهقانان مرفه انتخاب می‌شد، بخاطر وضعیت کم و بیش خوب مالی عملاً فعالیت بسود روستائیان انجام نمیداد و کاملاً مطیع سر-پرستان حوزه‌ها بود.

● اداره امور روستاها باید بهمشورتهای دهقانی «که در آن نمایندگان واقعی روستائیان با انتخابات آزاد دمکراتیک انتخاب میشوند» سپرده شود.

بود که وام دریافتی قبلی خود را وارسی نموده باشند و در -رحله بعدی در صورت وجود اعتبار کشاورزان بدهکار می‌توانند مشق تعدید وام قبلی از وام جدید با نظر هیئت مدیره شرکت استفاده نمایند.

۳- پرداخت وام بکشاورزان فلا. با بهره ۶ درصد درسال خواهد بود و تاکنون هیچ‌گونه کاهش در نرخ بهره وام بوجود نیامده است. در این بخشنامه به لزوم بهیضیای رژیم پیشین سنی گفته شده و نه از دادن وام بدون بهره که خواست همه روستائیان است. درهوش بازمواد همان اساس نامه گذشته شرکت‌های تعاونی در بخشنامه آمده است و باز همان آس همان کاسه! برای آنکه زندگی زحمتکاران روستا بهبود یابد و بهنبال آن سطح تولیدات کشاورزی بالا رود، باید با آثار و عواقب ناشی از رژیم گذشته مبارزه کرد. برای اینکار اولاً اداره امور روستاها باید بهمشورتهای دهقانی «که در آن نمایندگان واقعی روستائیان با انتخابات آزاد دمکراتیک انتخاب میشوند» سپرده شود در تانی باید تمام مظاهروابستگی در روستاها از قبیل رابطه غارتگرانه شرکتهای تعاونی روستائی از بین برود.

منابع:

- ۱- طرح جامعه شناسی و میانی استراتژی جنبش انقلابی ایران - اثر بیژن جزئی.
- ۲- نبرد با دیکتاتوری شاه پنهان‌بزرگترین دشمن خلق و زاندار امپریالیسم اثر بیژن جزئی
- ۳- اساسنامه شرکتهای تعاونی روستائی از انتشارات وزارت تعاونی و امور روستاها
- ۴- گزارش از شرکتهای تعاونی روستائی منطقه تهران.

حق تعیین سرنوشت خلق‌ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

روز ۲۱ مرداد، سومین سالگرد شهادت

رفیق مرتضی (امیر) فاطمی را گرامی می‌داریم



رفیق در سال ۱۳۳۷ در محله فقیر نشین خان‌آباد بدنیا آمد. در رابطه با زندگی در این محله شناخت کاملی از تبعیضات جامعه طبقاتی پیدا نمود با این شناخت رفیق امیر وارد دانشکده کشاورزی کرج شد و زودری دریافت که گذشتن از مرزهای طبقاتی راحل مسائل اجتماعی ما نیست و گذشتن از این تبعیضات که یک طرف آن طبقه زحمتکش که مستقیم و غیر مستقیم استثمار میشوند و طرف دیگر آن این نژادان کاره رباخواران جان، خونخواران و جنایتکاران تاریخ، طبقه حاکمه وابسته به امپریالیسم بجز با یک انقلاب که نیروی محرکه آن طبقه پانده کارگر و دیگر زحمتکشان باشد مسیر نیکوگری این برداشتن او در سال ۲۹ در سازمان طوفان بسط‌مقدم و آموزش پرداخت پس از دستگیری اعضاء سازمان در این سال مستقلاً بهمسراه دیگر دستاورد اقدام به تشکیل گروه سیاسی نیمه منظمی نمود و یکارهای سیاسی آموزشی پرداخت. رستاخیز سه‌هکتار نیز نقطه عطفی در زندگی سیاسی او بوجود آورد. رفیق امیر پس از فارغ‌التحصیل شدن با عنوان مهندس جهت تزدیکی بیشتر با توده‌های زحمتکش و شناخت بیشتر دردهای زحمتکشان دوران سرپازی خود را داوطلبانه در پارس آباد مغان سپری نمود که باعث قوام پیشین بنفرت او نسبت به طبقه حاکمه وابسته شد. رفیق امیر به ضرورت پیوستن بهسازمان چریکهای فدایی خلق ایران جهت بیشتر موثر نمودن اقدامات سیاسی تاکید مینمود او درسال ۵۲ بهسازمان پیوست

و با پیگیری و پشتکار مخصوص بنمود در امور سازمان مشارکت میکرد و در سال ۵۵ پس از شرفیابی که بر سازمان وارد شد پس از شهادت خواهرش پروین و سر همیش حسین و دیگر همزمان پس از قطع ارتباط با سازمان به تنها آرزویش که شهادت در میان کسانیکه بدندان بوی کار میدهند یعنی چریک‌ها دارند ویر دستپاچان پینه‌های ترک خورده هست رسید و بهنگام دستگیری در یکی از مرغداری های اطراف کرج در میان کارگران شهادت رسید.

پایین مناسب خانواده رفیق امیر در این تاریخ با علم به پیروزی راهتان یاد او و دیگر همزمانش را گرامی میدارند.

انقلاب ارضی در نیکاراگوئه

رهبران جدید نیکاراگوئه در روز ۵۸ مرداد اعلام کردند به عنوان اولین گام در جهت اصلاح سیاست کشاورزی زمین‌های متعلق به اناساز بیوسوموزا بیکاتور فراری نیکاراگوئه کسانی که در نگهداری زمین با وی همکاری میکردند به دهقانان بزمین واگذار خواهد شد. یکی از رهبران ساندینیستا گفت این کار

بهدولت جدید این کشور امکان میدهد اصلاحات ارضی را در نیکاراگوئه سریعتر به مورد اجراء بگذارد. این مقام گفت دولت جدید نیکاراگوئه همچنین به برپائی تشکیلات عسومی برای سازمان دادن به چگونگی تولید در کشور خواهد پرداخت.

روابط غارتگرانه شرکتهای تعاونی روستائی باید از بین برود

یکی از راههای نفوذ اقتصادی بورژوازی کپرادور در روستاها از طریق منابع اعتباری مثل بانکها و شرکتهای تعاونی روستائی است. از این میان نقش شرکتهای تعاونی روستائی که در بین روستائیان به دستنویق تعاونی معروف است بیشتر از سایر منابع اعتباری است. در دیماه ۱۳۳۵ طبق قوانین اصلاحات ارضی و تسهیلات دولت، صاحب زمین شدن رعایا مشروط به عضویت آنان در شرکتهای تعاونی روستائی گردید. بدین ترتیب بناچارزارمین که مشمول قوانین اصلاحات ارضی شدند، به عضویت این شرکتهای درآمدند در قسمتهای از اساتمام شرکتهای تعاونی روستائی چنین آمده است:

«تأمین اعتبارات وامهای مورد نیاز اعضاء انجام خدمات به منظور بهبود امور حرفه‌ای و یا زندگی اعضاء مانند تهیه ماشین آلات کشاورزی و استفاده مشترک از آنها، تهیه وسایل حمل و نقل برای استفاده اعضاء و تهیه مسکن تأمین توزیع آب مشروب و آب برای مصارف زراعی اعضاء با رعایت قانون ملی شدن منابع آب - پیش‌بینی وسایل بهداشتی و بهداشتی و آموزشی به منظور استفاده جمعی و مشترک - توزیع نیروی برق، ایجاد شبکه تلفن، تلقیح مصنوعی دامها و مبارزه با امراض و آفات نباتی و حیوانی».

ظاهراً چنین بنظر می‌آید که هدف از ایجاد شرکتهای تعاونی روستائی، دادن وام به روستائیان و در نتیجه نجات آنان از دست سلف خران و ترولفوران، مکانیزه کردن کشاورزی و انجام خدمات دیگر به منظور بهبود زندگی کشاورزان است. ولی آنچه در واقعیت می‌گذرد آن است که شرکتهای تعاونی بهمسراه سایر سوداگران شهر، جای فئودالها را در بهره‌کنشی از دهقانان اشغال کرده‌اند. آنچه که امروز از عوارض

اظهار داشتند: چون وامهای قبلی را پس نداده‌ایم و شرکت تعاونی بنا مجدداً وام پرداخت نکرده است، عضویت در شرکتی که نتواند وام بدهد برایمان منعی ندارد.» در مجموع کل فعالیتهای شرکتهای تعاونی در پرداخت وام نقدی به روستائیان منضم میشود. این خود نشان میدهد که سیستم سرمایه داری وابسته پیش از آنچه در شیوه تولیدی سنتی روستاها اثر گذاشته باشد در سیستم مبادله گسترش یافته است. سیستم تولید بهره برداری خانوادگی که چهره عمده روستاهای ایران است، عمده در مرحله مبادله زیرسلطه مناسبات سرمایه‌داری قرار می‌گیرد. تماسی ماسهائی که در اساتمام شرکتهای تعاونی و یا بهشنامعمانی که بدون اطلاع از وضع و حال کشاورزان صادر می‌شود، موجب فقر روزافزون کشاورزان و سرکشی کردن آنان به منبع واسطه ها و سرمایه‌داران وابسته داخلی و اربابان خارجیان تمام میند. بقیه در صفحه ۷

بر خلق ستمدیده بلوچ چه می‌گذرد؟

این عوامل جاسوس تاجایی پیش رفت که مناطق بلوچستان را زیر نظر نمانده خود بنام سرگرد ضیائی فرمانده هنگ زاندارمری ایران شهر و کاررونی فرمانده ناحیه زاندارمری استان، به خان نشینها تقسیم نموده و مرخانی مامور سرکوب و چاول در منطقه مسجوده خویش شده است. سرگرد ضیائی از ۵۸۳۲۶ در راسک، ایران شهر و مسیر جاده اسبکه با خوانینین جلالتی ترتیب می‌دهد. پس از آن، از راسک تا چابهار، بخش قمر قند، دستگیری درست میرمولا داد سردار زهی می‌افند، که برای هرکدام از بخشهای مربوطه یک نفر از نزدیکان خود را بعنوان سرپاسدار گمارده است. کنارک زرباد، بنت، نیکشهر، فوج با حوزه‌هایشان منطقه زیر سلطه شیرانیها بهسرکردگی بهرام خان و جهانگیرخان شیرانی قرار می‌گیرد. چراغ خان شیرانی رهبر گروه نظامی‌خانهای این منطقه خود تعدادی از مردم بیگانه را در زمان سلطه رژیم دیکتاتوری پهلوی به قتل رسانده‌است.

دورانی نه‌چندان دور که خوانین با احتیانه ترین شکلی به فروش و اجیر کردن اسانها به صورت برده می‌پرداختند و از دهقانان بیگاری میکشیدند موبراندام زحمتکشان راست میکند. ترس از سلط شدن خوانین، لزوم سرکوب دستگیری هرچه زودتر آنها را ایجاب میکرد و دولت هم رسماً از آنها خواسته بود که خود را معرفی کنند زیرا توسط آنها بود که رژیم وابسته پهلوی مردم را در فقر و عقب ماندگی نگه داشته بود و بر شدت ستم ملسو و طبقاتی خود بر زحمتکشان بلوچ می‌افزود. اما دولت ماهیتا با دستگیری آنها مخالف بوده بدین علت که آنها وسیله حاضر و آماده‌ای بودند برای سرکوب مردم و پاسنگونی به خواسته‌های برحق آنها.

در «کار» ویژه خله‌ها ۱۱ مرداد ۵۸ گزارش نسبتاً مفصلاً درمورد اوضاع کنونی بلوچستان آوردم. در آن گزارش از توطئه‌ها و چهره‌ها و دستپاچائی که در پشت آنها بود، پرده برداشتیم. در آن مطلب واقعیت‌های سنگین منطقه، برای حلقه‌های ایران نشان داده شد. واقعیهائی که مقامات دولتی در تحقق آن نقش داشته‌اند و هرگز نمی‌توانند از آن بی‌اطلاع باشند. اما آقای بازرگان وقتی در سخنرانی اخیر خود در رادیو تلویزیون به آن زن بلوچ که برنج پختن را نمی‌دانست اشاره می‌کرد و می‌خواست آگاهی خود را از ستمی که به مردم بلوچ روا شده به بینندگان و شنوندگان بتبلاوند، گویی از خدمتسی ماموران و مقامات رسمی با سردارهای خانن وابسته به رژیم پیشین ابداء اطلاعی نداشت. ما بار دیگر، اعمال و سیاستهای خائنه‌های را که بوسیله خانها و سردارها، با هدایت و دستور ماموران دولتی نسبت به خلق زحمتکش بلوچ روا می‌شود، با آوردن بخشی از اعلامیه «دانشجویان پیشگام بلوچستان» به آگاهی‌خلق های ایران میرسانیم...

زحمتکشان بلوچ که در جریان انقلاب و پیش از پیروزی قیام همیشه با نیش تهدید آمیز این عناصر روبرو بودند (که اگر شاه برود مالیات عقب افتاده چندین ساله را از شما خواهیم گرفت) ساده‌لوحانه دل به اقدامات دولت بد از قیام بسته بودند، زیرا که یاد

یک نشریه محلی

باید چه خصوصیات داشته باشد

چاپ و انتشار نشریات متعدد و جورواجور (روزنامه، مجله، شبنامه، اعلامیه و...) از طرف گروه‌ها و جمعتهای سازمان یا هواداران، پیشروان و پیشگانان در مناطق مختلف لازم برخوردار می‌گردد. زیرا بهمه این نشریات لازم آورده است. بهین دلیل است که برخلاب قول قبلی مبنی بر نقد و بررسی یک‌بیکس آنها، ضروری است که مقدماً خصوصیات یک‌نشریه محلی برشده شود.

مسئله طرف پیشنهادی حاصل جمع‌بندی اولیه است اما کوشش خواهد شد که بعد ها با نقد یک‌بیک نشریات فرستاده شده این طرح تکمیل شود.

۱- نشریات محلی باید از پرداختن مسائل عام، بحثهای انتزاعی و بدون رابطه با مسائل منطقه و محل (مانند تاریخچه مختصر دهقانان از برده‌داری، یا نظام برده‌داری) بپرهیزد. زیرا این عمل موجب صرف وقت و قوای بسیار زیاد رفا خواهد شد و آنها را از پرداختن مسائل خاص منطقه‌ای و محلی باز خواهد داشت. علاوه در اکثر موارد این جزوات اشتباهات تئوریک فاحش دارند و از نظر سیاسی اهمیتی ندارند و از حیث تکنیک (تعداد، نحوه چاپ، و نظم انتشار) هم بهیچوجه رضایت‌بخش نیستند. مسلم است که باید باین مسائل پرداخته شود. اما تهیه و تدوین چاپ این مطالب از جمله وظایف نشریات سرتاسری است و آنها نیز میکوشند تا حد توانائی‌شان این مهم را بانجام برسانند.

۲- نشریات منطقه‌ای نیایستی مسائل و مشکلات یک قتر یا یک طبقه (مثلاً منحصراً یککارگران یا منحصراً دهقانان) بپردازند. بلکه باید مسائل همه اقشار و طبقات را مورد توجه قرار دهند. علاوه نشریات یک واحد تولیدی نیز نباید به فعالیت کارگران یا زحمتکشان آن واحد محدود باشند بلکه باید حاوی اخبار و مطالب دیگر واحد های تولیدی و مناطق هم‌جوار نیز باشند. ۳- باید مسائل مشخص کارخانه، محله و منطقه‌ای که در آن جا فعالیت میشود، مورد توجه قرار گیرد و بخصوص، دین جهت بافتکاری بپردازد. و استاد و مدارک افتا کننده را چاپ کند. همچنین در جهت جمع بندی این مسائل و مشکلات و ارائه رهنمود مشخص، در هر مورد، حرکت کند مثلاً: رایج بهفواستهای عمده کارگران، دهقانان، کبه بازاریان، مسلمین، محصلین و بطور کلی روشنگران و غیره؛ رایج به موارد مهم مبارزه اقتصادی و سیاسی آنها دستاوردهای مثبت آنها، شخفا و قدرتهای آنها در مبارزه و غیره.



خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن در مجلس خبرگان نماینده ندارد

نحوه انتخابات در استان مازندران ونادیده دولتی با بر کردن صندوقهای ای از شهرهای گرفتن حقوق خلق ترکمن بهترین نمونه غیر نمکراتیک بودن انتخابات مجلس خبرگان بود نموده‌اند! کسانی که بهمکراری متصد باشند به درستی میدانند که خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن می‌باید دوتایند در مجلس داشته باشند و نمایندگان واقعی خلق ترکمن بنسبیت و پشتیبانی تمام مردم این ناحیه و شوراهای دهقانی، شهرمصدرخشند توماج و عبدالحمکیم محتوم بودمانند. و این انتخابات یکبار دیگر بهخلق ترکمن ثابت نمود که دولت آگاهانه برای زهرها گذاشتن حقوق این خلق انتخابات را بسک و شیوه‌ای ضد نمکراتیک برنامه‌ریزی نموده تا مجلس خبرگان خود ساخته را به مجلس انصاریطلبان تبدیل کند و مانع ورود نماینده خلقها بمجلس گردد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگانش